

هر چه گفتیم جز حکایت دوست در همه عمر از آن پشیمانیم
تقدیم به همسر و فرزندانم که به طراوت بارانند و به آبی دریا و به گرمی آفتاب.
تقدیم به زانیار عزیزم که تولدش لبخندی از خدا بود.

حبیبه صالح نژاد

با قلبی آکنده از اندوه، تقدیم به هویت داران بی هویت؛ همهٔ کودکان بی شناسنامه.

زهران نعمتی

تقدیم به پدر و مادرم که هویتم را عاشقانه بنا کردند.

محمد ابراهیم مازنی

وقتی به لغت «جمع» فکر می‌کنید یاد چیا می‌افتید؟ احتمالاً قبل از همه یاد اون عمل ریاضی. خب، از همین جا شروع کنیم. اگه هزارتا سیب رو با هم جمع کنیم، چی می‌شه؟؟ می‌شه گفت هیچی! خب هزارتا سیب داریم دیگه و هر کدوم از این سیب‌ها چه کنار ۹۹۹ تا سیب دیگه باشه چه تنها باشه نه رنگش عوض می‌شه، نه طعمش، نه اندازه‌اش و نه هیچ ویژگی دیگه‌ایش. اگر از اون جمع جداشه شکست عشقی نمی‌خوره! هزارتا مهره شطرنج چی؟ اگه کنار هم جمعشون کنیم ویژگی جدیدی پیدا نمی‌کنن؟ مثلاً اسب‌ها می‌گن حالا که تعدادمون زیاد شد دیگه مهره شطرنج نباشیم و بریم گل کوچیک بازی کنیم؟! فک نکنم! اما اگه هزارتا آدم هم جمع شن چی؟ هر آدمی کنار ۹۹۹ تایی دیگه، همونیه که تو تنهایی خودشه؟ حتماً نه! جمع، حتی در ریاضی‌وارترین شکل خودش، وقتی موضوعش انسان باشه یه تفاوت اساسی پیدا می‌کنه. دیگه فقط یه عمل خشک ریاضی نیست، هویت پیدا می‌کنه، روح پیدا می‌کنه، قواعد و آداب پیدا می‌کنه و ...

آدمیزاد هر جا که پاش می‌رسه همه قوانین قبلی رو عوض می‌کنه. جناب «جمع» عزیز هم از این نوازش بی‌بهره نمونده. حالا چه باید کرد؟ قواعد جدیدی که به لطف ما آدم‌ها وارد مقوله «جمع» شده رو چه‌طور باید تدوین و تبیین و تشریح و تنظیم (و باقی کلمات بر وزنِ تفعیل!) کرد؟ به مدد علمی که به همین آدم‌ها مربوطه، علوم انسانی، جامعه‌شناسی؛ پس این کتابو جدی‌تر بخون. تو به عنوان یک عالم علوم انسانی باید جمع انسانی رو، باید جامعه رو خوب بشناسی، تحلیلش کنی و برای بهتر شدنش راهکارهای درخشان ارائه بدی.

منم این‌جا باید از یه جمع تلاشگر و باصفا تشکر کنم: مؤلفای حرفه‌ای و کاردرستمون خانم‌ها صالح‌نژاد و نعمتی و آقای مازنی که از جون و دل مایه گذاشتن، بچه‌های واحد تألیفمون خانم آرانی و آقای سید سعید احمدپور و هم‌چنین از عزیزانمون تو واحد تولید که همه دست‌به‌دست هم دادن تا کتاب به بهترین شکل ممکن چاپ بشه.

پیش از آن که بالا رفتن از نردبان موفقیت را آغاز کنید، مطمئن شوید که نردبان را به ساختمان مناسبی تکیه داده‌اید. در هر مرحله‌ای از زندگی برای نیل به اهداف خود، نیاز به انگیزه، تلاش و پشتکار داریم. یکی از بزرگان جمله زیبایی دارد با این مضمون که انگیزه مانند آتشیه در درون خود فرد. اگر فرد دیگری بخواد این آتش رو درون شما روشن کنه، شانس کمی برای شعله‌ور کردن اون داره. افراد با انگیزه موقع مواجهه با مشکلات و شکست‌ها، توقف نمی‌کنن و اجازه نمی‌دن محدودیت‌ها و کمبودها مانع رسیدن اونا به اهدافشون بشه. پس شرط اولین قدم اینه که انگیزه کافی برای درس‌خوندن داشته باشین. یادگیری مداوم هم حداقل شرط لازم برای موفقیت در هر زمینه‌ایه. استمرار در مطالعه و یادگیری، مطالب رو ملکه ذهن شما می‌کنه و اضطراب و استرس شب‌های امتحان و کنکور رو از شما دور می‌کنه. البته می‌دونین که یادگیری (نه حفظ کردن مطالب) نیاز به تلاش و پشتکار مداوم داره.

امسال برای شما از نظر تحصیلی، سال سرنوشت‌سازیه. در انتظار نتیجه ۱۲ سال مدرسه رفتن، اومدن و آموختن و امتحان دادن هستین. اولین توصیه در زمینه کسب نتیجه خوب اینه که کتابای درسی‌تون رو کامل و با دقت بخونین و در کنارش از کتابای کمک‌درسی استفاده کنین، نه برعکس. ما هم سعی کردیم تو این کتاب نردبون موفقیت شما باشیم.

توصیه می‌کنم همه بخش‌های کتاب، یعنی درس‌نامه، تست و پاسخ رو بخونی و موقع رسیدن به هیچ بخشی گزینه skip رو انتخاب نکنی! درس‌نامه‌ها کامل و جامع نوشته شدن، یعنی هیچ مطلبی از کتاب درسی که قابلیت طرح سؤال داشته باشه، از قلم نیفتاده! باور نداری؟! پیدا کن، جایزه بگیر! هر جا مطلب کتاب درسی مبهم بوده، توضیح بیشتری برای فهم مطلب ارائه شده و گاه این توضیحات با زبون خودمونی گفته شده تا بهتر توی ذهنت بشینه! هر جا هم لازم بوده مثال‌هایی خارج از کتاب درسی (البته نه خیلی هم خارج)، ذکر شده تا به ابعاد گسترده‌تری از موضوع توجه کنی! کتاب درسی جدول و نمودار زیادی نداره، اما توی این کتاب تا دلت بخواد جدول و نمودار هست؛ چون هر چی مطالب رو با طبقه‌بندی بیشتری به ذهنت بسپاری، بهتر می‌تونی اونا رو به یاد بیاری! می‌دونید که تست‌های کنکور خیلی ترکیبی شده؛ بنابراین کلی **نکته ترکیبی** هم توی درس‌نامه‌ها آوردیم. از درس‌نامه که بگذریم، تست‌هایی توی این کتاب هست که با تست‌های کنکور مو نمی‌زنه! کاملاً شبیه‌سازی شده و هم‌جنس! واسه هر طیف از دانش‌آموزا هم تست وجود داره؛ از دانش‌آموزی که تصمیم داره فقط تست‌های ساده کنکور رو پاسخ بده تا دانش‌آموزی که به کم‌تر از پاسخ‌دادن صددرصدی به تست‌های جامعه‌شناسی کنکور راضی نمی‌شه! قسمت آخر تست‌های هر درس هم اختصاص داره به تست‌های ترکیبی و با علامت **MIX** مشخص کردیم؛ این تست‌ها کمک می‌کنه که علاوه بر مفاهیم هر درس، نگاهی گذرا به مفاهیمی که توی درس‌های قبل یا حتی سال دهم و یازدهم یاد گرفتی بندازی. خیلی از تست‌ها هم دام و تله داره. واسه این که از خلال اونا نکته‌های تست‌زنی جدیدی یاد بگیری، پس نمی‌گم بپا توی تله نیفتی، چون تا نیفتی، مطلب جدید یاد نمی‌گیری! این جاست که پاسخ‌های تشریحی می‌تونه کلی بهت کمک کنه! پاسخ‌های تشریحی رو نه فقط به چشم پاسخ، بلکه به چشم به جمع‌بندی و مرور سریع هم نگاه کن و ازشون ساده نگذر! توی پاسخ‌هامون برای این که یک بار دیگه مطالب درس رو مرور کنی، **نکات** و **تله‌ها** رو ببینید و **استراتژی** و **تکنیک**‌های تست‌زنی رو یاد بگیرید، کلی باکس طراحی کردیم. پاسخ یکی دوتا درس رو که بخونی و ببینی چه قدر کامله، متوجه منظورم می‌شی!

دیگه عرایض بنده تموم شد و می‌تونی از شنبه شروع کنی!

فهرست مطالب

سؤال	درس نامه	درس نامه ها و سؤال ها ۱۲
۵۷	۸	درس اول: ذخیره دانشی
۶۳	۱۱	درس دوم: علوم اجتماعی
۶۷	۱۵	درس سوم: نظم اجتماعی
۷۵	۱۹	درس چهارم: کنش اجتماعی
۸۱	۲۳	درس پنجم: معنای زندگی
۸۶	۲۷	درس ششم: قدرت اجتماعی
۹۵	۳۴	درس هفتم: نابرابری اجتماعی
۱۰۴	۴۱	درس هشتم: سیاست هویت
۱۱۱	۴۷	درس نهم: پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام
۱۱۷	۵۱	درس دهم: افق علوم اجتماعی در جهان اسلام
۱۲۳		آزمون های جامع شبیه ساز کنگور
		پاسخ ها ✓
۱۳۷		پاسخ نامه تشریحی
۱۹۱		پاسخ نامه کلیدی

ارزیابی دستاورد جامعه‌شناسی انتقادی: جامعه‌شناسی انتقادی، با پذیرش رویکرد تفسیری، معتقد است که تمام معانی و ارزش‌ها، ساخته و پرداخته اراده‌های افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها است؛ یعنی هر فرد، گروه و فرهنگ، اراده خاص خود را دارد و معانی و ارزش‌های ویژه خود را خلق می‌کند که:

♦ هیچ کدام «بهتر یا بدتر» از دیگری نیستند؛

♦ هیچ کدام «درست یا غلط» و «حق یا باطل» نیستند.

نکته: رویکرد انتقادی، هیچ‌گونه حقیقت یا فضیلتی را کشف نمی‌کند تا براساس این حقایق و فضائل به نقد کنش‌ها و روابط میان انسان‌ها و جوامع بپردازد، بلکه برای دفاع از اراده افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها معتقد است که:

نباید اراده فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگری تحمیل شود یا فرهنگی از گستره جغرافیایی و محدوده تاریخی خود فراتر رود و بر فرهنگ دیگری اعمال سلطه کند؛ ^{زیرا} اگر چنین اتفاقی رخ دهد و اراده فرد یا گروهی سرکوب گردد، مصداق سلطه است و باید به انتقاد از آن پرداخت.

بدول زیر، ویژگی‌های رویکرد انتقادی در جامعه‌شناسی رو توی یه نگه بهت نشون می‌ده؛

جامعه‌شناسی انتقادی		
موضوع	روش	هدف
کنش‌های اجتماعی و «پیامدها»ی آن (آله یادت باشه توی رویکرد «تفسیری» گفتیم؛ کنش‌های اجتماعی و «معنا»ی آن‌ها)	تفسیری، انتقادی و تجویزی (یعنی جامعه‌شناسی انتقادی فقط به روش‌های جامعه‌شناسی‌های تبیینی و تفسیری اکتفا نمی‌کند، بلکه سطوح دیگری از شناخت رو هم به رسمیت می‌شناسه!)	انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و ارائه پیشنهاد و راه حل برای رسیدن به آن

اصول سه گانه‌ای که جامعه‌شناسی انتقادی نپذیرفته است! بیرون از زمانه و زمینه جهان متجدد، بشر این‌گونه می‌اندیشد که:

اولاً؛ حقایق و ارزش‌هایی فراتر از انسان وجود دارد که هستی آن‌ها وابسته به انسان نیست؛ یعنی این حقایق ساخته و پرداخته ذهن‌ها و فرهنگ‌های بشری نیستند که از جایی به جایی و زمانی به زمانی دیگر تغییر کنند. یعنی ثابت اندر دیگه!

ثانیاً؛ انسان، امکان شناخت و دریافت این حقایق را دارد و باید برای دسترسی به آن‌ها تلاش کند. البته انسان‌ها پس از شناخت این ارزش‌ها ممکن است زندگی خود را براساس آن‌ها تنظیم کنند یا برخلاف آن‌ها عمل کنند.

ثالثاً؛ انسان در شناخت صحیح این حقایق و ارزش‌ها ممکن است دچار خطا و اشتباه شود، ولی هرگز به سبب اشتباهات احتمالی خود از شناخت این حقایق دست نمی‌کشد.

نکته: اکنون در زمانه و زمینه جهان متجدد، جامعه‌شناسی انتقادی، بدون پذیرش این اصول سه گانه در جست‌وجوی ملاک‌ها و معیارهایی است تا براساس آن‌ها بتواند به نقد و ارزیابی زندگی اجتماعی انسان‌ها بپردازد و با شناسایی وضع مطلوب بشر، برای عبور از وضع موجود به وضع مطلوب، راهی نشان دهد.^۱

کلام آخر! به عنوان آفرین نکته این درس توجه شما را به مطلب زیر جلب می‌کنم که باید برید و فوب در موردش تفکر و تأمل کنید؛ عدالت، همواره مورد توجه و علاقه انسان‌ها بوده است، ولی برای همه دیدگاه‌هایی که درباره آن سخن می‌گویند، اهمیت یکسانی ندارد؛

عدالت را اساسی‌ترین ارزش یا یکی از اساسی‌ترین ارزش‌ها می‌دانند. قانون اساسی کشور ما از این دیدگاه پیروی کرده!	برخی دیدگاه‌ها
به عدالت به این دلیل اهمیت می‌دهند که وسیله‌ای برای تحقق ارزش‌های دیگر است. مثلاً عدالت رو مقدمه دستیابی به رفاه مادی یا آزادی می‌دونن!	برخی دیدگاه‌ها

درس هشتم: سیاست هویت

توی جامعه‌شناسی دهم فوندم اون چیزی که در پاسخ به پرسش «من کیستم؟» گفته می‌شه و شش با اون، خودش رو مشابه با بعضیا و متمایز از بعضی دیگه می‌بینه، «هویت» نام داره! توی این درس می‌فویم بدونیم آله واژه «سیاست» به واژه «هویت» اضافه بشه، این اصطلاح جدید چه معنا و مفهومی پیدا می‌کنه!

شناسنامه؛ سند هویت

درسته که کتاب درسی گفته امروزه همه ما ایرانی‌ها شناسنامه داریم، ولی راستش رو بگوی یه عده‌ای شناسنامه ندارن و به خاطر همین هیچ وقت نتونستن برن مدرسه و درس بفونن! اما فب اکثر ما شناسنامه داریم و این شناسنامه «نفس‌تین سند رسمی هویت» ما مهسوب می‌شه! تاپیک‌ها به شناسنامه می‌گن «زادنامه» و عرب‌ها بوش می‌گن «هویه»! حالا بریم ببینیم این سند هویت حاوی چه اطلاعاتیه!

۱- این سند تا بیت از «فردوسی» هم بی‌ارتباط با رویکرد انتقادی در جامعه‌شناسی نیست؛ چون داره ردائال اخلاقی رو تقبیح می‌کنه و به فضیلت‌های اخلاقی دعوت می‌کنه و فلامه به دنبال برقراری یه وضعیعت مطلوبه؛

پناه کهان باش و فز مهان
همان داد ده باش و فرخنده باش
به داد و دهش دل گروگان کنیم
بماند، تو جز تخم نیکی مکار

«به‌جز داد و خوبی مکن در جهان
به دینار کم ناز و بخشنده باش
به نیکی گرانیم و پیمان کنیم
که خوبی و زشتی ز ما یادگار

روی جلد شناسنامه ما ایرانیان^۱، از نشون (آرم) و عبارت «جمهوری اسلامی ایران» استفاده شده؛ یعنی صرف نظر از این که مقتویات شناسنامه من و تو و او (مثلاً اسم، تاریخ تولد و ...) با هم فرق داره؛ اما؛

همه ما تبعه «جمهوری اسلامی ایران» هستیم؛ یعنی تبعه دولتی با نظام سیاسی «جمهوری»، بر بنیاد «اسلامی»، در قلمرو سرزمینی به نام «ایران».

نکته: جمهوری اسلامی، بیان حاکمیت اراده مردم براساس آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است. (همه یادته اون موقع که انواع نظام‌های سیاسی از دیدگاه ارسطو رو می‌فوندم، گفتیم که «جمهوری»، حکومت «اکثریت» مردم براساس «فصلیت» است!)

همه مردم ایران، از هر قوم و مذهبی که باشند، دارای حقوق و مسئولیت‌های برابر هستند؛ یعنی همه مردم ایران (اعم از زن و مرد، خردسال و بزرگسال، فقیر و غنی، بی‌سواد و باسواد):

۱ شناسنامه‌ای یک‌رنگ، یک‌شکل و یک‌اندازه دارند.

۲ در هویت ملی، مشترک هستند و می‌توانند بگویند: «همه جای ایران سرای من است.»

۳ موظف هستند که از کشور ایران پاسداری کنند و برای استقلال، آزادی و آبادی آن بکوشند.

الا وقتشه بریم ببینیم توی این شناسنامه که سند هویت ما محسوب می‌شه، چیا نوشته شده!

مندرجات صفحه اول شناسنامه عبارت‌اند از:

مندرجات	معنا و مفهوم
جمله «شناسنامه، سند هویت شماست؛ برای حفظ حقوق خود به دقت از آن نگه‌داری کنید.»	این عبارت نشان می‌دهد که دولت، هویت فرد ایرانیان و حقوق و مسئولیت آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد.
جمله «هرگونه تغییر و تحریف در شناسنامه یا سوء استفاده از آن جرم است و مجرم تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرد.»	این عبارت بیانگر آن است که نمی‌توان خودسرانه در این سند هویت دست برد و به دلخواه خویش، آن را تغییر داد.
شماره ملی ده‌رقمی	این شماره نشانگر جنبه اختصاصی سند هویت هر فرد است.
عکس	این عکس در نگاه عمیق‌تر و وسیع‌تر، هویت جنسی، خانوادگی، سنی، نژادی و فرهنگی فرد را نیز می‌تواند آشکار کند.
نام و نام خانوادگی، جنسیت، محل و زمان تولد و ...	که هر کدام از این‌ها هم به بخش دیگه از ابعاد هویت ما رو آشکار می‌کنن!

تنازع هویت‌ها؛ وحدت یا کثرت هویت‌ها

با ظهور جهان متجدد، دولت‌هایی شکل گرفتند که دیگر خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند، بلکه هویت خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند.

اگه یادته باشه توی درس ۸ از جامعه‌شناسی یازدهم فوندم که دولت - ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی و اقتصادی پدید می‌آید که برای اولین بار در اروپای غربی پیدا شدن و بر خلاف حاکمیت‌های قبل از خود، فودشون رو با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختن، بلکه هویتی کاملاً دنیوی و سکولار داشتن و البته هویت اوتا اغلب ناسیونالیستی و قوم‌گرایانه بود!

تأکید بر عواملی چون تاریخ، جغرافیا، قومیت و نژاد ← پیدایش نوع جدیدی از هویت که ملی‌گرایی و وطن‌دوستی مشخصه اصلی آن بود.

نکته: با شکل‌گیری دولت - ملت‌ها، ناسیونالیسم پیدا شد و هویت از منظر دولت - ملت‌ها و توسط آن‌ها تعریف شد، اما بیشتر کشورها دارای تنوع قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و ... بودند.

در کشورهای دارای تنوع قومی، نژادی و ...، گروه‌های مختلف می‌بایست در کنار هم زندگی می‌کردند؛ بنابراین دولت‌ها ناگزیر از «سیاست‌گذاری هویتی» بودند؛ برای رسیدن به اهداف زیر:

۱ تعیین هویت ملی

۲ چگونگی توزیع مزایا و فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان اقوام و گروه‌های مختلف

۳ پاسخگویی به درخواست‌ها و رفع نیازهای اقوام و گروه‌های مختلف

سیاست‌گذاری هویتی

منظور از سیاست‌گذاری هویتی، الگو و مدلیه که دولت به کشور برای زندگی هویت‌های مختلف قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و ... در قلمرو اون کشور، طراحی و تدوین می‌کنه! والا توی این مدل و الگو، ممکنه دولت به همه اقوام و گروه‌ها احترام بذاره و اوتا رو به رسمیت بشناسه یا ممکنه به برخی از گروه‌ها و اقوام توجه بیشتری داشته باشه و در مقابل، بعضی از اقوام و گروه‌ها رو نفی و طرد کنه! یعنی ممکنه دولت به گروه رو معیار قرار بده و سعی کنه همه گروه‌های دیگه رو مپهور کنه از ارزش‌های اون گروه معیار پیروی کنن یا ممکنه به ارزش‌های همه گروه‌ها احترام بذاره و تفاوت‌ها رو به رسمیت بشناسه! این‌جاست که پای دو الگوی متفاوت سیاست‌گذاری هویتی به میون میار؛ یعنی مدل «همانندسازی» و مدل «تکثرگرا»! بریم ببینیم این دو تا مدل چه تفاوتی با هم دارن!

مدل همانندسازی (دوره مدرن)

«همانندسازی» مدل رایج سیاست گذاری هویتی در دوره مدرن بود.

همانندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه است، به گونه‌ای که همه گروه‌ها همسان شوند. در حقیقت، همانندسازی سیاستی بود که در دوره مدرن، دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.



بوراکومین‌ها، ژاپنی‌هایی هستند که در دوره فتودالی مورد غضب قرار گرفتند. آن‌ها هیچ فرقی با سایرین ندارند، ولی همواره مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. با نوسازی ژاپن، دولت آن‌ها را رسماً برابر با دیگران اعلام کرد، ولی هنوز هم تبعیض نسبت به آن‌ها وجود دارد.

روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی: برخی از روش‌های همانندسازی خشونت‌آمیز هستند؛ از جمله:

۱ نسل‌کشی ۲ جابه‌جایی اجباری ۳ کنترل جمعیت ۴ جداسازی ۵ فشارهای سخت اجتماعی.

مثال ۱: نسل‌کشی در کامبوج توسط خیم‌های سرخ (حزب کمونیست)

مثال ۲: اخراج و کشتار مسلمانان میانمار موسوم به روهینگیا

مثال ۳: در جریان پاکسازی قومی در یوگوسلاوی سابق، هزاران مسلمان بوسنیایی جان خود را از دست دادند یا مجبور به ترک شهر و دیار خود شدند. اساس این روش‌ها، نفی و طرد دیگری متفاوت است، با این تفاوت که:

در نسل‌کشی	دیگری، شری است که باید نابود شود و از بین برود.
در سایر روش‌ها	دیگری اگرچه شتر دانسته می‌شود، اما امکان اصلاح او وجود دارد و با اعمال فشار می‌توان او را به پذیرش الگوهای هویتی جدید مجبور ساخت یا از بقیه جدا نمود.

در جداسازی، گروه مسلط، گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی دیگر را به زیستن در مناطقی جدا از محل سکونت گروه مسلط مجبور می‌کند. همچنین گروه مسلط، سایر گروه‌ها را از تسهیلات و خدماتی مانند آموزش، بهداشت و درمان محروم می‌سازد یا این خدمات را با کیفیت بسیار پایین‌تری در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد.

کتاب درسی فقط به توضیح کوچیک درباره جداسازی دارد؛ منم به توضیح کوچیک درباره نسل‌کشی بهش اضافه می‌کنم؛

نسل‌کشی یعنی هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی همه یا بخشی از یک گروه نژادی، قومی، ملی، مذهبی یا ایدئولوژیکی؛ یکی از نسل‌کشی‌های تاریخ در فلال ینگ هوایی دوم واقع شد؛ همون موقعی که هیتلر تصمیم گرفت یهودی‌ها رو بسوزونه!

در مورد بقیه روش‌ها هم فودت می‌تونی سرچ کنی و کلی اطلاعات به دست بیاری! البته بعد از کنگور! چون الان باید فقط مطالب کتاب درسی رو برای کنگور بخونی!

نکته: همانندسازی همیشه به صورت یک‌سویه، سخت و خشن انجام نمی‌شود؛ بلکه تفاوت‌ها و تمایزهای قومی، نژادی و ... می‌توانند از راه دیگری که برخی از جامعه‌شناسان آن را «دیگچه همانندسازی» می‌نامند، ناپدید شوند که در آن، تعداد کثیری از گروه‌های درگیر قومی نژادی در ارتباط با هم، یک فرهنگ مختلط را می‌سازند.

مدل تکثرگرا (دوره پسامدرن)

در دوره پسامدرن، دستاوردهای دوره مدرن (از جمله سیاست همانندسازی هویت) مورد انتقاد قرار گرفت و به جای آن، هویت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت؛ یعنی در دوره پسامدرن:

آن‌چه «مطلوب» دانسته شد:	تکثر، تنوع و حتی بی‌ثباتی و تغییرات مداوم هویت‌ها
آن‌چه «نامطلوب» دانسته شد:	هویت ملی و وحدت، ثبات و استمرار همراه با آن

اندیشمندان اجتماعی معتقدند که «سیاست هویت» متعلق به دوره پسامدرن است که در آن، هویت‌ها، موضوعی برای نزاع و درگیری می‌شوند؛ بنابراین:

۱ سیاست هویت، محصول دوران پسامدرن است و بر تفاوت‌ها و هویت‌های خاص و محلی تأکید می‌کند.

۲ در اواخر قرن بیستم، هویت به جای قشربندی و کشمکش طبقاتی، محور اصلی مباحثات فکری و سیاسی شد.

جعبه پاندورا!

بعضی از پیدایش سیاست هویت، به باز شدن جعبه پاندورا یاد می‌کنن! در اساطیر یونانی، پاندورا جعبه‌ای بود حاوی تمام بلاها که به دست فردی به نام پاندورا گشوده شد. با باز شدن این جعبه، ناگهان همه پلیدی‌ها و شر‌ها، آزاد و به سوی زمین سرازیر شدن؛ بوی‌ها در جهان پراکنده شدن و با بوی‌ها در آمیختند؛ طوری که دیگه تشفیص اونا از همدیگه ممکن نبود. در نتیجه، رنج و بیماری، پیری و مرگ، دروغ، دزدی و بی‌ثباتی که قبل از اون وجود نداشت، در سراسر زمین گسترش پیدا کرد! به سیاست هویت هم از این جهت می‌گن جعبه پاندورا، که گویا در دوره مدرن (دوره سلطه سیاست همانندسازی)، به وحدت و ثباتی توی هویت هر دولتی وجود داشته، اما توی دوره پسامدرن (دوره سیاست هویت)، در جعبه هویت‌ها باز شه و همه هویت‌های ریز و درشت ریفتن بیرون و به همین دلیل، وحدت موجود به هم فورده و از اون‌جا که همه هویت‌های فُرد و محلی هم به رسمیت شناخته می‌شن و عرض اندام می‌کنن، بین هویت‌ها جنگ و درگیری رخ می‌ده!

در دورهٔ پسامدرن:

- ۱ هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آن‌ها تعریف می‌شود.
 - ۲ افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را براساس علاقه‌های فرهنگی و هویتی خود پی می‌گیرند.
 - ۳ علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش می‌شوند.
- در همهٔ عرصه‌های فوق، سیاست هویت ایجاد می‌شود و تنازع و درگیری افزایش می‌یابد.

جهانی‌شدن و چالش‌های هویتی:

امروزه، جهانی‌شدن و توسعهٔ ارتباطات:

از یک سو	زمینهٔ شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است که در آن، در هم آمیختن فرهنگ‌ها موجب می‌شود تا فرهنگ‌ها دیگر کاملاً خالص و ثابت نباشند و هویت‌ها به شدت دستخوش تغییر شوند.
از سوی دیگر	بسیاری از جوامع و گروه‌ها، به دفاع از خود برخاسته‌اند و با ساختن هویتی خاص برای خود یا بازگشت به هویت واقعی خویش، در برابر هویتی که فرایند جهانی‌شدن به آن‌ها تحمیل می‌کند، مقاومت می‌کنند و خواهان رهایی از این هویت تحمیلی هستند. مثال: جنبش‌های سبک زندگی، زنان، آفریقایی - آمریکایی‌ها، آسیایی‌تبارها، جوانان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و جنبش زیست‌محیطی، نمونه‌هایی از این اعتراض‌ها و مقاومت‌ها هستند.

در شرایطی که هر یک از گروه‌ها و جوامع در مقام دفاع از هویت و فرهنگ خود برخاستند، مدل «تکثرگرا» به جای مدل «هماندسازی» مورد توجه و تأکید قرار گرفت.

ویژگی‌های مدل تکثرگرا:

- ۱ تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی، حفظ و حتی تشدید می‌گردد.
- ۲ وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی ضروری دانسته می‌شود تا گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد.
- ۳ بر ابعاد مختلف هویت به شرح زیر تأکید می‌شود:

تأکید فرهنگی هویت	تمایزات زبانی، قومی، مذهبی و ... مورد تأکید قرار می‌گیرند.
تأکید سیاسی هویت	بر آزادی‌های اجتماعی اقوام و گروه‌های مختلف و فرصت سهیم‌شدن آن‌ها در قدرت سیاسی تأکید می‌شود و یا راهکارهای مسالمت‌آمیز برای حل منازعات گروهی و قومی ارائه می‌گردد.
تأکید اجتماعی هویت	گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و گروهی مورد توجه است.

★ **نکته:** درون بسیاری از جوامع صنعتی، تقسیم‌بندی‌های نژادی و قومی وجود دارد.

مثال: جدایی فرانسوی‌زبانان ایالت کبک از انگلیسی‌زبان‌ها در کانادا و کشمکش میان فلامان‌ها و والون‌ها در بلژیک

چهره‌های مختلف سیاست هویت:

سیاست هویت می‌تواند دو چهره پیدا کند:	۱ با تأکید افراطی بر تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها، سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع شود. ۲ گروه‌های به حاشیه رانده‌شده را به رسمیت بشناسد و از آنان حمایت کند.
---------------------------------------	---



جشن سال نوی چینی همراه با نمایش‌ها و تزیین‌هایش فقط رویدادی نمایشی نیست که هر سال در آمریکا برگزار می‌شود، بلکه نماد تداوم و پیوستگی فرهنگی چینی‌ها در آمریکاست.



کوکلاس کلان نام سازمان‌های همبسته‌ای در ایالات متحدهٔ آمریکا در گذشته و امروز است که پشتیبان برتری نژاد سفید و نژادگرایی است.

تعارف هویت‌ها: وحدت و کثرت هویت‌ها

شناخت متقابل هویت‌ها یا الگوی تعارف، در مقابل دو الگوی همانندسازی و تکثرگرا قرار می‌گیرد و به شناخت متقابل افراد، گروه‌ها و جوامع از یکدیگر توجه دارد.

شناخت متقابل افراد و جوامع از یکدیگر	۱ به آن‌ها کمک می‌کند تفاوت‌های همدیگر را درک کنند و به این تفاوت‌ها احترام بگذارند. ۲ اشتراکاتی بین آن‌ها ایجاد شود که به بهترشدن روابط میان آن‌ها کمک می‌کند.
---	--

الگوی تعارف، در مقابل الگوی تنازع قرار دارد. چند قط بالاتر هم فوندیم که الگوی تعارف، در مقابل الگوهای همانندسازی و تکثرگرا قرار دارد! صرفاً جهت یادآوری! تعارف به معنای شناخت متقابل است؛ یعنی از ریشهٔ «عَرَفَ» به معنای «شناخت» که چون به باب «تفاعل» رفته، بر به عمل «دو طرفه و متقابل دلالت می‌کند! اون تعارفی هم که ما توی زندگی روزمره واسه نشون دادن احترام به طرف مقابلمون به کار می‌بریم، به جورایی از همین شناخت متقابل ناشی می‌شه! یعنی چون ما طرف رو می‌شناسیم و براش احترام قائلم، بهش تعارف می‌کنیم که مثلاً اول ایشون از در وارد بشه!

الگوی تعارف در اسلام

الگوی تعارف همان الگویی است که قرآن ارائه می‌کند:

«انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا: و شما را به صورت تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.»
در ادامه عبارت بالا که بخشی از آیه ۱۳ سوره حجرات است، خداوند می‌فرماید: «ان اکرمکم عند الله اتقاکم: همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست.»
یعنی قرآن تأکید می‌کند که هیچ‌کدام از ویژگی‌های هویتی، ملاک برتری یک قوم یا گروه بر دیگران نیست و فقط زندگی براساس تقوا، معیار برتری، بزرگی و بزرگواری است.

نکته: الگوی مطلوب قرآنی (الگوی تعارف)، تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی را مانع وحدت و همدلی نمی‌داند، بلکه انسان‌ها را به منشأ وحدت رهنمون می‌شود. از همین روست که قرآن می‌فرماید: «و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف ألسنتکم و ألوانکم إن ذلك لآیات للعالمین: و از نشانه‌های او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست و در این، نشانه‌هایی است برای اهل دانش.»

الگوی تعارف و شکوفایی جهان اسلام: رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری نیز به دلیل پیروی از الگوی قرآنی تعارف و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند.

مثال: برای جهان اسلام، به‌هیچ‌وجه نگران‌کننده نبود که بزرگ‌ترین دانشمندان صرف و نحو زبان عربی، یک ایرانی به نام «سیبویه» است و مهم‌ترین حکمای جهان اسلام، فارابی و ابن سینا هستند.

الگوی تعارف در نگاه امام علی: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌شناسند.» معنای سخن ایشان این است که وقتی انسان در تاریکی ناآگاهی به سر می‌برد، هر شبی را که از دور می‌بیند و هر آوازی را که می‌شنود، حیوانی درنده و خطرناک می‌پندارد و از آن می‌ترسد، اما وقتی که با آن چیز مواجه می‌شود و نسبت به آن شناخت پیدا می‌کند، ترس او نیز از بین می‌رود.
افراد نیز معمولاً به دیگری که آن‌ها را به درستی نمی‌شناسند، بدبین‌اند و از آن‌ها دوری می‌کنند؛ بنابراین، یکی از راه‌های ایجاد آشتی، صفا، اتحاد و دوستی در میان گروه‌ها و ملت‌ها، شناخت متقابل است.

نقش حکومت در تحقق الگوی تعارف: حکومت می‌تواند با زمینه‌سازی برای شناخت مردم از یکدیگر در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای، بسیاری از مشکلات را حل کند و امکان همدلی مردم با یکدیگر را فراهم سازد.



خیابان سی تیر تهران، خیابان صالح ادیان نیز نامیده می‌شود. در این خیابان هر روزه صدای خوش اذان از مسجد «حضرت ابراهیم» شنیده می‌شود، صدای ناقوس کلیسا در روزهای یکشنبه و نجوای عبادت عابدان یهودی در کنیسه در روزهای شنبه به گوش می‌رسد و رفتن زرتشتیان که به آتشکده مشاهده می‌شود، در این خیابان مسجد، کلیسا، کنیسه و آتشکده به فواصل کوتاهی از یکدیگر قرار گرفته‌اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

حقوق اقوام و گروه‌های مختلف و اقلیت‌های دینی و مذهبی ایران را به رسمیت شناخته و آزادی آن‌ها را در انجام مراسم دینی، تعلیم و تربیت و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) تضمین کرده است.	در اصول ۱۲ تا ۱۴
استفاده از زبان‌های محلی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و نیز تدریس ادبیات محلی را در مدارس در کنار زبان رسمی (فارسی) مجاز شمرده شده است.	در اصل ۱۵

علوم اجتماعی و سیاست هویت

رفیق یار قیپ رویکرد انتقادی دانستیم که: جامعه‌شناسی انتقادی ریشه در رویکرد تفسیری دارد، ولی به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره ارزش‌ها و هنجارها است و نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها، بیرون از دایره علم صورت گیرد؛ زیرا در آن صورت، سرنوشت ارزش‌ها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود و همواره ارزش‌های غالب در زندگی اجتماعی، ارزش‌های ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود.
علاوه بر رویکرد انتقادی، یه پریان دیگه هم از درون رویکرد تفسیری شکل گرفته که در ادامه، این دو تا رویکرد رو که در مقابل هم قرار می‌گیرن، با هم مقایسه می‌کنیم:

الف) رویکرد انتقادی:

۱ می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی‌بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد.

۲ این نقش را در نقد روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌بیند.

۳ انتظار دارد علوم اجتماعی با تشخیص و افشای سلطه در مناسبات انسانی به رهایی انسان کمک کند.

ب) جریان دوم شکل گرفته از درون رویکرد تفسیری: جریان دیگری که از درون رویکرد تفسیری شکل می‌گیرد، کارکردی را که رویکرد انتقادی برای علوم اجتماعی قائل است (= توان افشاگری، نقد روابط و مناسبات میان افراد و کمک به رهایی انسان)، برای این علوم ناممکن می‌شمارد و راه رهایی انسان را نه از درون علم، که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند.

یعنی رویکرد انتقادی «درون» فرد علم (منظور همون علوم اجتماعی) دنبال راهی برای رهایی انسان می‌گرده، اما این پریان دوم، این راه رهایی رو «بیرون» از علم هست و پو می‌کنه! افلاکشون همینه!

طرفداران این جریان دوم معتقدند:

- ❶ **خود علم** با «درست و غلط دانستن» و «خوب و بد کردن امور»، **سلطه‌گری می‌کند؛** زیرا «خوب» را به معنای خوب‌بودن برخی افراد و گروه‌ها و «بد» را به معنای بدبودن برخی دیگر از آنان قلمداد می‌کند.
- ❷ علم، چراغی نیست که تاریکی‌ها را روشن کند و موانع را از پیش پای انسان بردارد.
- ❸ آن‌چه تا امروز به نام علم و دانش جهان‌شمول مطرح بوده، صرفاً ابزار عده‌ای برای سرکوب عده‌ای دیگر بوده است.
- ❹ سرگذشت دانش همانند سرگذشت قدرت و ثروت، تاریخ سرکوب انسان بوده است؛ بشر همواره به سرکوبی که از طریق قدرت و ثروت صورت می‌گرفت حساس بود و اکنون متوجه سرکوبی است که به وسیلهٔ دانش اعمال می‌شود و دیگر به آن تن نمی‌دهد.
- تا این‌ها فوندریک که دوتا رویکرد و پیرانی از دل رویکرد تفسیری شکل گرفته؛ یکی رویکرد انتقادی که می‌گوید علوم اجتماعی با نقد روابط و مناسبات میان افراد و گروه‌ها و افشاگری می‌تونه باعث رهایی انسان از سلطه بشه و دیگری، پیرانی که می‌گوید علم با درست‌دانستن برفی امور و غلط‌دانستن برفی دیگه، سلطه‌گری می‌کنه! در مورد رویکرد انتقادی قبلاً مفصل فوندریک، پس در ادامه می‌ریم ببینیم حرف حساب این پیران دوم چیه! پس هواسه دوتا تئوری که در ادامه داری می‌بینی، مربوط به این پیران دوم هست که پون کتاب درسی، اسم براش انقلاب نکرده و ما هم همدانش می‌کنیم؛ پیران دوم!

عبور از علم همتاً در مورد تو هم پیش اومده که در مورد یکی گفته باشی؛ «این ...» و بهوش برفورده باشی یا یکی فودرت رو در فشار دیگری، «این» فطاب کرده باشی و به تو برفورده باشی و گفته باشی؛ این، اسم داره! دلیل این برفورده‌ها هم واضحه؛ آدم‌ها، اسم دارن و اسم داشتن از هویت داشتن و انسان بودن حکایت می‌کنه!

هشدارها به جامعه‌شناسان: همون پوری که به ما هشدار می‌دن به هیچ ششمی نگیم «این»؛ جریان دوم هم به جامعه‌شناسان هشدارهایی می‌دهد مبنی بر این که شما: اشخاص، جوامع و فرهنگ‌ها را مطالعه می‌کنید که هویت دارند.

- ❖ در مورد هویت‌ها و ارزش‌ها سخن می‌گویید و در حال قضاوت و تغییر آن‌ها هستید.
- ❖ همواره درگیر سیاست هویت هستید و پیوسته برخی را تحسین و برخی دیگر را تحقیر می‌کنید.
- ❖ از دیدگاه فرهنگی و هویتی به فرهنگ‌ها و هویت‌ها می‌نگرید، نه از منظری جهان‌شمول که به همهٔ هویت‌ها و فرهنگ‌ها با یک چشم نگاه می‌کند.
- ❖ همواره مشغول پیش‌بردن برخی فرهنگ‌ها و هویت‌ها و پس‌راندن برخی دیگر هستید.
- در حقیقت، پیران دوم شکل گرفته از درون رویکرد تفسیری با دادن این هشدارها به جامعه‌شناسان می‌فواد بهوشون بگه؛ علم (یعنی همون علوم اجتماعی) حتی با رویکرد انتقادی هم نمی‌تونه راهی برای رهایی انسان پیداکنه و باید راه رو بیرون از علم هست و هوکنیم! تمام!

تناسب هر نظریه با فرهنگ و تاریخ خود در رویکرد و پیران دوم شکل گرفته از درون رویکرد تفسیری، بخشی از یک «حقیقت مغفول» آشکار می‌شه که اون حقیقت مغفول اینه؛

هر نظریه‌ای درون فرهنگ و تاریخ خود تولید می‌شود و هر فرهنگ و هویتی می‌تواند نظریه‌های متناسب با خود را تولید کند؛ به همین دلیل هیچ فرهنگ و هویتی نمی‌پسندد که موضوع نظریه‌هایی باشد که در زمینهٔ فرهنگی و تاریخی دیگری شکل گرفته‌اند؛ به بیان دیگر، هر گروه، جامعه و فرهنگی می‌خواهد از چشم خودش به خود بنگرد، نه از چشم دیگران.

مثال: پیدایش نظریهٔ فمینیستی معاصر، نظریهٔ آفریقایی‌تبار، نظریهٔ آمریکایی بومی و ... در علوم اجتماعی امروز، نتیجهٔ چنین مطالبه و درخواستی هستند. (مثلاً رویکردهای فمینیستی می‌گن باید به تهریات زنانه از منظر یک زن نگاه کرد و به همین دلیل مثلاً قانون‌گذاران مرد نمی‌تونن قانون‌هایی بنویسن که به فوبی از حقوق زن‌ها حمایت کنه!)

این گروه‌ها می‌گویند: آن‌چه تا امروز به اسم علوم اجتماعی به مطالعهٔ گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها می‌پرداخت، دانشی جهان‌شمول نبود، بلکه روایت آن چیزی بود که مردان سفیدپوست اروپایی می‌پنداشتند و هویت زنان، رنگین‌پوستان و غیراروپاییان را نادیده می‌گرفت.

انتقاد وارد به جریان دوم: بدون تردید، به حاشیه راندن و حذف هویت‌های انسانی و فرهنگی امری ناپسند است و مخالفت و مبارزه با این امر ناپسند ارزشمند است؛ اما این سکه روی دیگری هم دارد؛ یعنی گاهی تأکید بر تنوع و تکثر هویت‌ها و اصالت‌بخشیدن به آن‌ها به معنای انکار اشتراک و وحدت انسان‌ها و نیز از بین رفتن فرصت گفت‌وگو و معارفهٔ انسان‌ها و فرهنگ‌ها است.

اگه ادعا بشه که دانش، همش مفصول شرایط اجتماعی و فرهنگی و جوامع و فرهنگ‌ها هم متفاوت هستن و تازه توی هر جامعه، گروه‌های مفتلفی وجود داره و درون هر گروهی هم افراد مفتلفی هستن و هر گروه، جامعه و فرهنگ هم، دانش خاص فودش رو تولید می‌کنه؛ چه پوری می‌شه گفت که به دانش و شناخت از شناخت دیگه بهتره؟! چه پوری می‌شه میون شناخت‌های مفتلف، داوری کرد و شناخت صحیح رو تشفیص داد؟!!!

❷ **نتیجه:** پایبندی کامل به جریان دوم، امکان شناخت واقعی را از انسان‌ها سلب می‌کند و قطعاً رویکردی که اساس دانش را انکار می‌کند، نمی‌تواند قابل قبول باشد.

جمع‌بندی هالا که به طور مفصل با هر سه رویکرد «تبیینی»، «تفسیری» و «انتقادی» در جامعه‌شناسی آشنا شدیم، اینم به جمع‌بندی جمع‌پور از اونا تقدیم به شما:

جامعه‌شناسی تبیینی	جامعه‌شناسی تفسیری	جامعه‌شناسی انتقادی	
جامعه و پدیده‌های اجتماعی	کنش‌های اجتماعی و «معنا»ی آن‌ها	کنش‌های اجتماعی و «پیامدها»ی آن‌ها	چه چیز را مطالعه می‌کند؟ (موضوع)
حس و تجربه (نگاه از بیرون)	تفسیر (نگاه از درون به پدیده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها)	تفسیری، انتقادی و تجویزی	چگونه مطالعه می‌کند؟ (روش)
قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه از طریق شناخت نظم اجتماعی	معنابخشی و انسجام‌بخشی به زندگی اجتماعی	انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و ارائهٔ پیشنهاد راه حل برای رسیدن به آن	به دنبال چیست؟ (هدف)

بنابراین، اجتماعی مانند کلاس درس، محله، خانواده، روستا، شهر کشور و جهان:

۱. بر رفتار ما تأثیر می‌گذارند. (ما در هر یک از محیط‌های خانواده، محله، کلاس درس و ... به شیوه‌ای خاص و متفاوت رفتار می‌کنیم!)

۲. از کنش‌های ما تأثیر می‌پذیرند؛ یعنی کنش‌های ما در ایجاد، تداوم و تغییر این اجتماعات تأثیرگذار هستند.

بنابراین: مطالعه اجتماعی مثل کلاس، محله، خانواده، روستا، شهر، کشور و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید.

تعریف علوم اجتماعی: به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند.

★ نکته: ما انسان‌ها متأثر از اجتماعی هستیم که خود پدید می‌آوریم.

یه چیز کلی رو همیشه یادتون باشه: تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دو روی یک سکه هستن! یعنی به هم وابستن؛ این‌پوری: «تأثیرگذاری» اجتماعات انسانی «بر» رفتار ما = «تأثیرپذیری» رفتار ما «از» اجتماعات انسانی و همچنین «تأثیرگذاری» کنش‌های ما «بر» اجتماعات انسانی = «تأثیرپذیری» اجتماعات انسانی «از» کنش‌های ما! این موضوع توی تست‌ها به دردتون می‌خوره!

📌 نکته ترکیبی: در درس ۶ دهم، مطلب این درس را به شکل دیگری خواندیم: جهان اجتماعی (و پدیده‌های اجتماعی) با آگاهی و اراده انسان‌ها به وجود می‌آیند، ولی پس از تحقق، بر کنش‌های انسان‌ها تأثیر می‌گذارد.

علوم انسانی و علوم اجتماعی

آگه یادت باشه توی «بخوانیم و بدانیم» درس قبل فوندریم که هر علمی واسه خودش یه موضوعی داره که درباره اون، مطالعه و تحقیق می‌کنه؛ مثلاً فهمیدیم که موضوع علوم زیستی، موجودات زنده هستن! اما اون‌ها گفتیم موضوع علوم انسانی و اجتماعی چیه و نگهش داشته بودیم واسه این‌ها! پس بریم سراغ شناخت موضوع علوم انسانی و اجتماعی!

اول بریم سراغ این‌که بینیم علوم انسانی چیه تا بعدش برسیم به علوم اجتماعی که یکی از شاخه‌های همون علوم انسانیه!

علوم انسانی هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند و موضوع علوم انسانی نیز کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن است. مثلاً یادت هست توی جامعه‌شناسی دهم فوندریم که:

«کنش» با آگاهی و اراده انجام می‌شود و هدفدار و معنادار است؛ بنابراین شناخت کنش، بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست.

پس وقتی می‌گیم موضوع علوم انسانی، «کنش» هست و می‌دونیم کنش هم اراده‌یه؛ یعنی:

علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش محسوب نمی‌شوند.

🎯 نتیجه: علمی که به مطالعه و بررسی این پدیده‌ها (یعنی فعالیت‌های غیرارادی انسان) می‌پردازد، با آن‌که درباره انسان بحث می‌کنند، در زمره علوم انسانی قرار نمی‌گیرند.

مثال: علم پزشکی که به مطالعه بدن انسان و سلامتی و بیماری آن می‌پردازد، در زمره علوم طبیعی (نه علوم انسانی) جای دارد.

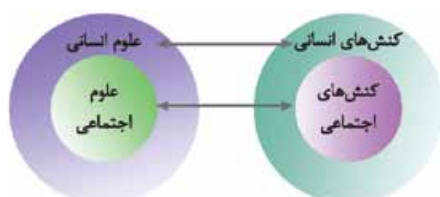
مقایسه علوم طبیعی و علوم انسانی

علوم طبیعی	علوم انسانی
موضوع علوم طبیعی، پدیده‌های طبیعی است. مثال: علم زمین‌شناسی درباره زمین بحث می‌کند و علم نجوم درباره ستارگان و سیاره‌ها مطالعه می‌کند. نکته: پدیده‌های طبیعی (برخلاف کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها)، به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند، بلکه مستقل از اراده انسان‌ها و اهداف و معنای مورد نظر آن‌ها وجود دارند.	موضوع علوم انسانی، کنش‌های انسان و پیامدهای آن است. مثال: علم روان‌شناسی به مطالعه رفتار و فرایندهای روانی انسان می‌پردازد. نکته: کنش‌های انسان به آگاهی و اراده او وابسته‌اند و مستقل از اهداف و معنای مورد نظر انسان‌ها وجود ندارند.

علوم اجتماعی باز هم آگه یادت باشه، توی جامعه‌شناسی دهم فوندریم که کنش‌های انسان، بعضی‌اشون «فردی» هستن و بعضی‌اشون «اجتماعی»! علوم اجتماعی بخشی از علوم

انسانی‌ه که کنش‌های اجتماعی (نه فردی) انسان‌ها رو مطالعه و بررسی می‌کنه؛ یعنی:

موضوع	مثال
علوم انسانی	کنش‌های انسانی (اعم از فردی و اجتماعی) و پیامدهای آن‌ها
علوم اجتماعی	کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن



🎯 نتیجه: موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است؛ یعنی:

♦ علوم اجتماعی فقط بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند.

♦ برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی جای ندارند.

این نکته‌ای که گفتیم، تو رو یاد کنوم یکی از روابطی که توی درس منطق فوندی می‌ندازه؟! آباریکلا! بین علوم انسانی و علوم اجتماعی، رابطه «عموم و خصوص مطلق» برقراره که نمودارش رو هم می‌تونی این روبه‌رو ببینی!

رابطه میان علوم انسانی و علوم اجتماعی

در فصول نوع رابطه میان علوم انسانی و علوم اجتماعی، چندتا دیدگاه وجود داره:

۱. برخی علوم انسانی و علوم اجتماعی را (هم در موضوع و هم در روش) یکسان می‌دانند. (رابطه تساوی)

۲ برخی دیگر «موضوع» علوم انسانی و علوم اجتماعی را همان امور انسانی و یکسان می‌دانند، ولی «روش» آن دو را متفاوت می‌دانند. از نظر این دسته:

روش علوم اجتماعی (جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ...)	همان روش علوم طبیعی (یعنی روش تجربی)
روش علوم انسانی (برخی رشته‌های دانشگاهی مانند هنر، مطالعات فرهنگی و ...)	روش‌های غیرتجربی

۳ علوم انسانی و علوم اجتماعی موضوعات متفاوتی دارند. همون نظری که بالاتر فوندیم و گفتیم: موضوع علوم انسانی، کنش انسان به طور مطلق و موضوع علوم اجتماعی، فقط و فقط کنش‌های اجتماعی انسانه! کتاب درسی از این نظر پیروی کرده!

★ **نکته:** دیدگاه سوم، «نه وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل می‌دهد» و «نه کنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرومی‌کاهد». چون این دیدگاه عقیده دارد آدم‌ها ابعاد و کنش‌های فردی و غیر اجتماعی هم دارند که در علوم انسانی دیگه‌ای غیر از علوم اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرن!

«فلسفه» یا «متافیزیک» جزء کدام دسته از علوم است؟ موضوع فلسفه با موضوع علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوت دارد:

نوع دانش	موضوع	توضیحات
علوم طبیعی	پدیده‌های طبیعی	این علوم، قوانین طبیعت و پدیده‌های طبیعی را شناسایی می‌کنند. مثال: زیست‌شناسی دربارهٔ موجودات زنده بحث می‌کند و موجودات زنده را دارای ویژگی‌هایی مانند حرکت، تغذیه و رشد می‌داند.
علوم انسانی و اجتماعی	کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن	این علوم، قوانین مربوط به کنش‌های آدمیان را مطالعه می‌کنند. مثال: اقتصاد به کنش‌های اقتصادی همچون تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد.
فلسفه	اصل وجود	دانش فلسفه، به مطالعهٔ موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد، بلکه قوانین «کلی» موجودات را شناسایی می‌کند. این قوانین شامل همهٔ موجودات می‌شود و مخصوص موجودات طبیعی یا انسانی و اجتماعی نیست؛ مانند قانون علیت. ♦ قانون علیت می‌گوید: هر پدیدهٔ طبیعی، انسانی و اجتماعی علتی دارد و هیچ اتفاقی خودبه‌خود در جهان رخ نمی‌دهد.

🎯 **نتیجه:** فلسفه، نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی و اجتماعی؛ بلکه خود دانشی مستقل است. از هر چه بگذریم سخن از «علوم اجتماعی» فوش‌تر است! پس بریم سراغ بحث شیرین علوم اجتماعی که یکی از شافه‌های مهم علوم انسانیه!

فواید علوم طبیعی و اجتماعی

درک فواید علوم طبیعی به کم راحت‌تره، پس اول از اون شروع می‌کنیم؛ بعد می‌ریم سراغ فواید علوم اجتماعی!

الف) فواید علوم طبیعی علوم طبیعی، جهان طبیعی و پدیده‌های آن را مطالعه می‌کنند. (موضوع علوم طبیعی = جهان طبیعی و پدیده‌های آن). فواید این دسته از علوم:

- ۱ طبیعت و قوانین آن را می‌شناسند، و از این طریق:
 - ۲ به انسان در بهره‌مندی از طبیعت و غلبه بر محدودیت‌های طبیعی کمک می‌کنند.
 - ۳ قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی را برای انسان فراهم می‌آورند.
- مثال:** به نگاه به درس‌های ۵ و ۶ بفراغیای دوازدهم بنداز! اون‌ها می‌بینی که به دانش طبیعی، مثل فیزیک یا چه قدر می‌تونه در پیش‌بینی وقوع حوادث طبیعی، مثل زلزله، سیل و ... مؤثر باشه و به کاهش فسارات ناشی از این حوادث کمک کنه!

ب) فواید علوم اجتماعی علوم اجتماعی فوایدی به شرح زیر دارند:

- ۱ علوم اجتماعی با شناخت پدیده‌های اجتماعی، به انسان‌ها این امکان را می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند.

★ **نکته:** به دلیل آگاهانه و ارادی بودن کنش‌ها و سایر پدیده‌های اجتماعی و تنوع آن‌ها، پیش‌بینی در علوم اجتماعی، پیچیده‌تر از پیش‌بینی در علوم طبیعی است.

۲ دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند تا نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آن‌ها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیرات اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند. ما با شناخت قواعد زندگی در اجتماعات می‌توانیم از فرصت‌های آن‌ها برخوردار شویم و از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان بمانیم.

۳ علوم اجتماعی می‌توانند زمینهٔ فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم آورند و از این‌رو، به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک کنند.

۴ علوم اجتماعی، ظرفیت داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها را دارند. علوم اجتماعی با داوری دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

۵ علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را نیز دارند.

★ **نکته:** علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ زیرا علوم اجتماعی دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند.

آگه آدمی هستی که با نمودار، مطالب رو بهتر می‌تونی توی ذهنت نگه داری، فواید علوم اجتماعی رو با نمودارهای زیر به خاطر بسپار:



مقایسه فواید علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی: اون ۵ موردی که پیش‌تر با هم فوندیم، فواید خاص علوم اجتماعی بود که چون علوم اجتماعی خودش بخشی از علوم انسانی می‌شه، اونارو به پورایی فواید علوم انسانی هم دونست؛ حالا توی جدول پایین می‌تونیم فواید «علوم طبیعی» و «علوم انسانی و اجتماعی» رو به صورت «مقایسه‌ای» کنار هم ببینیم:

مقایسه فواید «علوم طبیعی» و «علوم انسانی و اجتماعی»	
فواید علوم طبیعی	فواید علوم انسانی و اجتماعی
- شناخت طبیعت و قوانین آن - پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت - رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت	- شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن - شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها برای پیشگیری - شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و دورری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها - انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها - رهاکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید. - نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری

نام‌گذاری علوم مختلف:

دانش	نام دیگر	علت نام‌گذاری
علوم طبیعی	علوم ابزاری	ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی است.
علوم انسانی	علوم تفهیمی	به فهم معانی کنش‌های انسان‌ها می‌پردازد.
	علوم انتقادی	به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازد.

شاخه‌های علوم اجتماعی

دانستیم که علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن (یعنی پدیده‌های اجتماعی) را مطالعه می‌کند. کنش‌های اجتماعی، ابعاد و انواع مختلفی دارند و با توجه به این ابعاد و اجزاء، دانش‌های مختلفی را به وجود می‌آورند؛ مانند بدن انسان که اعضای مختلفی دارد و تخصص‌های گوناگونی درباره آن‌ها پدید آمده است. (مثل تخصص قلب، مغز و اعصاب، داخلی و ...)

زندگی اجتماعی انسان به لحاظ داشتن ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ...، باعث ایجاد شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی شده است.

مثال: علوم اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، ارتباطات، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی و جغرافیای انسانی، از جمله رشته‌هایی هستند که پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند.

در ادامه با یکی از این دانش‌ها به نام جامعه‌شناسی، بیشتر آشنا خواهیم شد.

جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است. دو نمونه از تقسیم‌بندی‌های «جامعه‌شناسی» به شرح زیر است:

الف) تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی براساس «موضوع» مورد مطالعه: برخی از جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را علم شناخت «کنش اجتماعی» دانسته‌اند و بعضی دیگر، آن را علم شناخت «ساختار اجتماعی» نامیده‌اند. بر همین اساس، با دو نوع جامعه‌شناسی سروکار داریم:

جامعه‌شناسی خرد	کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد را مطالعه می‌کند.
جامعه‌شناسی کلان	ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را مطالعه می‌کند.

با مفهوم کنش اجتماعی توی درس دوم جامعه‌شناسی دهم آشنا شدی و با مفهوم سافتار اجتماعی هم در درس بعدی آشنا فواهی شد!

مثال: جامعه‌شناسی شهری به بررسی پدیده‌های خرد و کلانی از قبیل روابط همسایگی، ریخت‌شناسی شهری، ترافیک، آلودگی و مهاجرت می‌پردازد.

ب) تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی براساس «روش» مطالعه: در جامعه‌شناسی، براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. (منظور از دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، همون میزان استفاده از روش‌های علوم طبیعی (یعنی روش‌های تئوری) در مطالعات جامعه‌شناسانه‌اس!) سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی عبارت‌اند از: ۱) جامعه‌شناسی تبیینی، ۲) جامعه‌شناسی تفسیری و ۳) جامعه‌شناسی انتقادی. در درس‌های آینده این سه دسته جامعه‌شناسی رو مفصل‌تر و با جزئیات بیشتر می‌فونیم!

★ چند نکته: ۱) در کشور ما، بسیاری از مدیران ارشد که برنامه‌ریزی برای کشور از وظایف آن‌هاست، فارغ‌التحصیل و دانش‌آموخته علوم انسانی نیستند! البته این واقعیت همش هم بد نیست‌ها! مثلاً قبلی هم عالیه که وزیر بهداشت خودش به پزشک باشه، اما قبلی از پست‌های دیگه هست که همه اون‌ها رو پزشکان و مهندسان اشغال کردن، در حالی که ربط زیادی به رشته‌شون نداره! حالا من نمی‌گم منظور کدوما هستن، خودت بهتر می‌دونی!

۲) امروزه فناوری بر زندگی بشر سیطره یافته است و به جای این که انسان، توسعه فناوری را هدایت و راهبری کند، فناوری زندگی انسان‌ها را کنترل می‌کند. این که دیگه توضیح زیادی لازم نداره! همین بایی که الان هستی به گناه به دور و برت بنداز، بیشتر مصداق فناوری می‌بینی یا آدمیزاد؟! در شبانه‌روز بیشتر وقتت رو در حال معاشرت با مصداق فناوری هستی یا آدمای دور و برت؟!

۳) برای هر کدام از ما، انتخاب رشته تحصیلی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی محسوب می‌شود. برای انتخاب رشته، لازم است رشته‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم و سپس از میان آن‌ها دست به انتخاب بزنیم و بدیهی است که برای این مقایسه، به ملاک و معیار نیاز داریم. بسیاری از والدین بیشتر با ملاک «آینده شغلی» به ارزیابی رشته‌های تحصیلی می‌پردازند و هر رشته‌ای را که از نظر اقتصادی و فرصت‌های شغلی آینده بهتری داشته باشد، برای فرزندانشان ترجیح می‌دهند. متأسفانه در این میان، رشته‌های علوم پایه که از اساسی‌ترین علوم محسوب می‌شوند، مهجور مانده‌اند و در انتخاب رشته، جزء اولین انتخاب‌ها قرار نمی‌گیرند. این واسه که باید گفت انگار حق با شاعره که فرموده: «پشما را باید شست، جور دیگر باید دید»!

البته باید توجه داشت که معیار و ملاک انتخاب رشته تحصیلی، تنها به آینده شغلی محدود و منحصر نمی‌شود؛ بلکه معیارهای دیگری نیز می‌توانند در انتخاب رشته تحصیلی از سوی یک فرد تأثیرگذار باشند؛ مانند: علاقه شخصی، قریحه و استعداد (به‌ویژه در رشته‌های هنری مانند نقاشی، موسیقی، بازیگری و ...)، تناسب رشته با توانایی‌های بدنی یا آمادگی‌های روحی و روانی و ... راستی تو شغل آینده‌ات رو انتقاد کردی یا گذاشتی به عهده رتبه‌کنکورت که اون برات انتقاد کنه؟!

درس سوم: نظم اجتماعی

روزی برگزاری مسابقات فوتبال، فیابونای منتهی به استادیوم، ترافیکه، نزدیک استادیوم پر از دست‌فروشه؛ استادیوم پر از زباله و آشغال؛ و فلافه همه پی درهم و برهمه! از همه بدتر این که به سری بلیت فریدن‌ها! اما باز ما پیدا نمی‌کنن بشینن! از الفاطی که برای تشویق تیم محبوب و تفریب روفیه تیم رقیب در قالب سرود و شعار فریاد زده می‌شه که دیگه برات گم! اما با این همه بی‌نظمی، باز مسابقه فوتبال به فوبی و فوشی برگزار می‌شه! چون علی‌رغم تموم بی‌نظمی‌هایی که توی استادیوم وجود داره، به نظمی هم هست که کم‌تر به چشم میاد! مثلاً وسایل نقلیه عمومی وجود دارن که می‌شه از اون‌ها برای رفتن به استادیوم استفاده کرد؛ پلیس حضور داره تا کسی تفلک نکنه؛ هنگام ورود به ورزشگاه نیروی انتظامی تماشاچیا رو بازرسی می‌کنه؛ بازی سر ساعت شروع می‌شه، بازی طبق قواعد از پیش تعیین‌شده انجام می‌شه و ... دیدی همش هم بی‌نظمی نیست؟!

نظم یا بی‌نظمی؟ مسئله این است!

ما انسان‌ها بیشتر بی‌نظمی را می‌بینیم و نظم را کمتر مشاهده می‌کنیم؛ زیرا به نظم عادت کرده‌ایم.

مثال: دانش‌آموزی که دیر به مدرسه می‌رسد یا تکالیف خود را به موقع انجام نمی‌دهد، راننده‌ای که در شانه خاکی جاده رانندگی می‌کند یا سبقت غیرمجاز می‌گیرد، مدیر بانکی که در پرداخت وام، آشنایان و بستگان خود را در اولویت قرار می‌دهد، پزشکی که بیماران خود را در مطب منتظر می‌گذارد و ... بیشتر به چشم می‌آیند، در حالی که دانش‌آموزان اغلب به موقع در مدرسه حاضر می‌شوند، مردم اکثراً قواعد راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کنند و ...

آشنایی زدایی ۱) از آن‌جا که عادت کردن به نظم، سبب نادیده‌انگاشتن آن می‌شود، جامعه‌شناسان برای شناختن نظم، از امور آشنا و مأنوس، «آشنایی زدایی» می‌کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می‌کنند و بدین ترتیب در کنار بی‌نظمی، نظم را نیز می‌شناسند. در مناسبات میان انسان‌ها نیز نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیزی وجود دارد که با هنر آشنایی زدایی از امر مأنوس، می‌توان آن‌ها را کشف کرد. آشنایی زدایی که معنای عادت زدایی نیز می‌دهد، ابتدا در حوزه ادبیات مطرح شد و برای فرق گذاشتن میان زبان عادی و زبان شاعرانه به کار رفت و از آن‌جا به علوم اجتماعی راه یافت.

♦ «افراد» در زندگی روزمره، اغلب برحسب نیازهای عملی خود، با هر موقعیت اجتماعی که مواجه می‌شوند، از پیچیدگی و عمق آن موقعیت می‌کاهند؛ آگاهی و دانش ساده و راحت‌تری از آن می‌سازند؛ براساس این دانش، عمل می‌کنند؛ با تکرار، عمل، عادت آن‌ها می‌شود؛ به صورت نوعی دانش عملی و ابزاری (چگونگی انجام کارها) در دانش عمومی آن‌ها ذخیره می‌شود.

♦ اما «جامعه‌شناس» تلاش می‌کند با هنر آشنایی زدایی (عادت زدایی)، از چشم‌انداز فردی غریبه به موقعیت‌های اجتماعی نگاه کند تا از این دانش عملی و عمومی عبور کند و در نتیجه، به پیچیدگی و عمق آن موقعیت اجتماعی نزدیک‌تر شود.

★ نکته: افراد در زندگی روزمره، از دید خود به موقعیت‌های اجتماعی می‌نگرند و چون به این موقعیت‌ها عادت کرده‌اند، برخی از زوایا و ابعاد آن موقعیت از نگاهشان پنهان می‌ماند؛ اما جامعه‌شناس باید تلاش کند تا از نگاه یک فرد غریبه و ناآشنا به چنین موقعیت‌هایی بنگرد تا بتواند خود را به موقعیت اجتماعی مورد نظر و ابعاد و اعماق آن نزدیک‌تر کند. به این اقدام جامعه‌شناس می‌گویند آشنایی زدایی یا همون عادت زدایی! به همین سادگی!



راه رفتن، یک کنش اجتماعی پیش پا افتاده به نظر می‌رسد، ولی برای راه رفتن صحیح، هر فرد تلاش می‌کند قواعدی را رعایت کند. او فاصله و حالتی به خود می‌گیرد تا هنگام رد شدن از کنار دیگری با او برخورد نکند یا طوری به نظر نیاید که همراه دیگری راه می‌رود. این مثال‌ها نشان می‌دهد که در زندگی روزمره ما نظم‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، به آن‌ها توجه نداریم.



به گفته گیدنز، گردشگران غربی وقتی نخستین بار از یک کشور مسلمان دیدن می‌کنند، از صدای اذان که روزی پنج مرتبه از مناره‌ها به گوش می‌رسد، شگفت‌زده می‌شوند. این صدای زیبا و گیرا برای اکثر غربی‌ها نامأنوس، اما برای ساکنان محلی جزئی از زندگی روزمره است.

نظم اجتماعی

نظم اجتماعی در نتیجه قواعدی که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم، برقرار می‌شود.

«نظم» یعنی قرار گرفتن هر پدیده‌ای در جای خود؛ جای پدیده‌ها را همین قواعد تعیین می‌کنند. (قواعد، مقدم بر نظم وجود دارند).



مثال: اغلب ما می‌دانیم که از یک راننده تاکسی، پلیس، پزشک یا معلم، انتظار چه رفتارهایی را داشته باشیم و در مواجهه با آن‌ها چگونه رفتار کنیم؛ هر چند ممکن است در برخی موارد، دانسته‌های ما اشتباه از آب درآیند و دیگران مطابق انتظارات رفتار نکنند و حوادثی خلاف قواعد رخ دهد.

حالا که فهمیدیم نظم اجتماعی، مفهول قواعد با هم زندگی کردن، باید ببینیم قواعد و رفتارهای با هم زندگی کردن چه طوری به وجود می‌آید؟ چه پوری دووم میارن؟ و چه طوری تغییر می‌کنن؟ در ادامه، می‌بینیم که به این پرسش‌ها پاسخ بدیم!

قواعد اجتماعی (= قواعد در کنار هم زندگی کردن ما)، کارکردهای زیر را دارند:

- ۱ ارتباط ما با یکدیگر را امکان‌پذیر می‌سازند و آن را سامان می‌دهند.
- ۲ کنش‌های ما را برای یکدیگر قابل پیش‌بینی می‌کنند.
- ۳ امکان مشارکت ما را در زندگی اجتماعی فراهم می‌آورند.

★ **نکته:** زندگی اجتماعی فقط با قوانین رسمی سامان نمی‌یابد، بلکه قواعد غیررسمی نیز در تنظیم روابط افراد با یکدیگر در جامعه نقش دارند. مثلاً همین که روی بعضی دیوارها می‌نویسن «لعنت بر والدین کسی که این‌جا آشغال بریزه!» یا بعضی‌ها روی درب پارکینگ فودشون تابلو می‌زنن «پارک = پنهری!» مهادیقی از همین قواعد غیررسمی هستن! یعنی توی قانون نیومدن اما آزما می‌دونن باید رعایتشون کنن تا دعوا و مراجعه نشه!

ساختار اجتماعی

حالا که با قواعد اجتماعی و کارکردهای اون آشنا شدیم، به سوالایی مطرح می‌شه که جامعه‌شناس باید به اون‌ها جواب بدن! اون سوالا هم اینا هستن: خود این قواعد اجتماعی چه طوری با همدیگر مرتبط و سازگار می‌شن؟ مثلاً قواعد مختلف اقتصادی (قواعد تولید، توزیع و مصرف) چه پوری با همدیگر هماهنگ می‌شن؟ یا مثلاً قواعد اقتصادی چه پوری با قواعد زندگی خانوادگی یا قواعد سیاسی سازگاری پیدا می‌کنن؟ برای پاسخ به این سوالا، جامعه‌شناسا از مفهوم «ساختار اجتماعی» کمک می‌گیرن.

ساختار اجتماعی عبارت است از: ارتباط میان پدیده‌های اجتماعی؛ یعنی ساختار اجتماعی، چگونگی رابطه و پیوند میان پدیده‌های اجتماعی مختلف را نشان می‌دهد.

★ **نکته:** ساختار اجتماعی را در گروه‌های رسمی (مانند سازمان‌ها) بهتر می‌توان مشاهده کرد؛ در هر سازمان، حقوق و تکالیف مربوط به هر نقش، چگونگی روابط میان اعضا و ... مشخص است.

نظام اجتماعی

علاوه بر ساختار اجتماعی نظام اجتماعی مفهوم دیگری است که با نظم ارتباط دارد.

نظام اجتماعی یک ساختار اجتماعی پویا است؛ یعنی آگاه ساختار اجتماعی رو به خود فرض کنیم که به پا پارک شده، نظام اجتماعی همون فودرونه که موتورش روشن شه و داره حرکت می‌کنه!

★ **نکته:** منظور از پویایی نظام اجتماعی این است که بخش‌های مختلف آن بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند. (تأثیر و تأثر متقابل) نظام اجتماعی می‌تواند:

(الف) درون خود تغییراتی به وجود آورد. (مانند رشد جمعیت)

(ب) در محیط خود تغییراتی ایجاد کند. (مانند برداشت روزافزون از منابع تجدیدناپذیر؛ مثلاً مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی)

نظام اجتماعی (همانند یک موجود زنده) تلاش می‌کند با تغییر در خود و محیط، نیازهایش را تأمین کند و حیات خود را در بلندمدت حفظ نماید.



در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، وجود خانواده‌های بزرگ، قاعده‌ای کلی بود. در میانه قرن ۱۹م. هر یک از زوج‌های انگلیسی به طور متوسط شش فرزند داشتند.



امروزه اکثر کشورهای صنعتی به خاکستری شدن جمعیت دچارند. جمعیت بالای ۶۵ سال رو به افزایش است و این کشورها را با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد ساخت.

کتاب درسی اون بایی که می‌گه «نظام اجتماعی باید بتونه از طریق ایجاد یه سری تغییرات درون و بیرون خود، نیازهاش رو برطرف کنه تا زنده بمونه»، از یه موضوعی تحت عنوان «هم‌تغییری» صحبت کرده که باید ببینیم چیه؟!

گاهی تغییر در یک پدیده اجتماعی، با تغییر در پدیده دیگر همراه است. این دو پدیده را «هم‌تغییر» می‌گویند؛ یعنی می‌تون تغییرات یکی از آن‌ها را به کمک تغییرات دیگری توضیح داد.

مثال: بیکاری و واردات بی‌رویه در یک کشور را می‌تون دو پدیده هم‌تغییر دانست که با توجه به تغییرات هر کدام، می‌تون تغییرات در دیگری را توضیح داد؛ یعنی با افزایش واردات، بیکاری نیز افزایش می‌یابد (هون معمولاتی که نیروی انسانی داخل کشور می‌تونسته خودش تولید کنه، داره فاسد و آماده از خارج وارد می‌شه و در نتیجه نیروی انسانی داخل کشور بیکار می‌مونه) و در مقابل، کاهش واردات می‌تواند موجب کاهش بیکاری و افزایش میزان اشتغال شود. (هون بالأخره یه سری از کالاهای مورد نیاز و آگه از خارج وارد نشه، باید داخل کشور تولید بشه و فب این هوری افراد بیشتری می‌رن سرکار.)

نکته: برخی از هم‌تغییری‌ها قابل مشاهده هستند و می‌تون آن‌ها را با روش کمی و آماری مطالعه کرد.

جامعه‌شناسی تبیینی

تبیین تجربی قبل از رفتن به سراغ جامعه‌شناسی تبیینی، اول باید ببینیم خود «تبیین» چه معنایی داره! منظور از «تبیین»، بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن است.

در تبیین:

الف) پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می‌رسیدند، در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند.

مثال: حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود و رکود اقتصادی باعث می‌شود بیکاری در جامعه افزایش یابد. (ما می‌دونیم انبساط یعنی چی، فلز رو هم که می‌شناسیم؛ پس با این دو تا مفهوم همدگانه از هم آشنا هستیم! حالا میایم و بین اونا ارتباط برقرار می‌کنیم، یعنی فلز رو حرارت می‌دیم تا منبسط بشه! به این برقراری ارتباط بین دو پدیده مستقل می‌گیم تبیین! در فصول مثال رکود اقتصادی و بیکاری هم وضعیت به همین منواله!)

ب) میان پدیده‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی مطرح می‌شود.

مثال: هر چه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر باشد، انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد. (یعنی ما از قبل می‌دونیم بین مناسبات افراد توی جامعه با انحرافات اجتماعی رابطه وجود داره، اما نوع و میزان این رابطه رو نمی‌دونیم! حالا میایم و میزان روابط و همبستگی بین افراد رو توی جامعه کم و زیاد می‌کنیم تا ببینیم این افزایش و کاهش همبستگی بین افراد، چه تأثیری روی افزایش و کاهش انحرافات اجتماعی داره! به این هم می‌گیم تبیین؛ البته از یه نوع دیگه!)
حالا که فهمیدیم «تبیین» یعنی چی، بریم سراغ جامعه‌شناسی تبیینی!

در اوایل قرن نوزدهم میلادی: با محدود دانستن دانش علمی به دانش تجربی، صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شد؛ یعنی: تنها بیان آن دسته از روابط علت و معلولی میان پدیده‌ها، دانش علمی و معتبر محسوب می‌شد که با حس و تجربه، مشاهده‌پذیر باشد؛ ^{زیرا} چنین می‌پنداشتند که دانش علمی تنها از راه حس به دست می‌آید.

نتیجه: جامعه‌شناسی در آغاز شکل‌گیری خود سعی کرد به علوم طبیعی (به‌ویژه علم فیزیک) نزدیک شود؛ یعنی هون جامعه‌شناسا می‌فواستن از قافله عقب نمونن و بکن مطالعات ما هم علمی و معتبره، سعی می‌کردن از روش‌های تهری واسه مطالعات خودشون استفاده کنن!

نکته: آگوست کنت (بنیان‌گذار جامعه‌شناسی)، ابتدا نام «فیزیک اجتماعی» را برای این رشته برگزید.

این رویکرد که جامعه‌شناسی را در زمره دانش‌های تجربی و ابزاری قرار می‌دهد، با نام «جامعه‌شناسی تبیینی» شناخته می‌شود.

علوم طبیعی و علوم اجتماعی در رویکرد تبیینی:

۱. جامعه و پدیده‌های اجتماعی (از جمله کنش‌های انسان‌ها)، همانند طبیعت و پدیده‌های طبیعی در نظر گرفته می‌شود. (یکسان‌انگاری موضوع)

۲. در نتیجه یکسان‌پنداشتن موضوع، روش مطالعه پدیده‌های اجتماعی و طبیعی نیز یکسان انگاشته می‌شود؛ یعنی روش مطالعه جامعه، همان روشی است که در مطالعه طبیعت به کار گرفته می‌شود. (یکسان‌انگاری روش)

۳. هدف جامعه‌شناسی نیز همانند هدف علوم طبیعی است؛ یعنی همان‌طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل «طبیعت» را برای انسان‌ها فراهم می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل «جامعه» را به انسان‌ها می‌دهد. (تشابه هدف)

کتاب درسی واسه فهم بهتر مطلب، یه مثال زده که ما هم، همون رو این‌جا با هم مرور می‌کنیم. توی کتاب دهم و یازدهم هم همین و چند بار جامعه رو به یه موهود زنده تشبیه کردیم، اما هر بار هم گوشه فرمودیم که جامعه یک موهود زنده نیست؛ فقط در یه چیزایی شبیه اونه! اما فب برقی جامعه‌شناسا به این تفاوت توجه نکردن! نتیجه‌اش هم شه «یکسان‌انگاری قواعد اجتماعی و قوانین طبیعی» که حالا در ادامه می‌گیم اشکال‌ش چیه؟! اما قبلش یه مثال ساده: آیا تا حالا فکر کردی چه اتفاقی می‌افته که چند تیکه فلز که بهوش می‌گیم خودرو با یه کم سوفت به حرکت درمیار؟ یزنیاتش رو که باید از فیزیک داتا و مهندسای مکانیک پرسیم، اما من همین قدر می‌دونم که یه خودرو فقط وقتی حرکت می‌کنه که اجزای مختلف اون با نظم خاصی کنار هم قرار گرفته باشن!

۱- جامعه‌شناسی تبیینی همان رویکرد پوزیتیویستی به معنی وحدت روش علوم است؛ بدین معنا که روش مطالعه در تمام دانش‌های علمی، یکسان است و آن، روش تجربی است.



تندیس آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸م)
در فرانسه



در جامعه‌شناسی تبیینی، روش مطالعه
طبیعت و جامعه یکسان دانسته می‌شود.

ما هنگام استفاده از خودرو، معمولاً به نظم میان اجزای آن توجه نمی‌کنیم و از چگونگی عملکرد اجزاء اطلاع دقیقی نداریم، در حالی که دانشمندان با فعالیت‌های علمی گسترده، نظم و ترتیب میان این اجزاء را شناخته و سپس کنترل کرده‌اند تا بتوانند از آن در ساخت خودرو استفاده نمایند. علاوه بر این، آن‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از فرمول‌های ریاضی و آزمایش‌های تجربی، اجزای خودرو را به شکل بهتری در کنار هم قرار دهند و نظم کامل‌تری را میان آن‌ها برقرار نمایند تا خودروی بهتری بسازند.

دانشمندان سایر علوم (مانند علوم پزشکی و زیست‌شناسی) نیز همین‌گونه عمل می‌کنند؛ آن‌ها با شناخت قواعد حاکم بر بدن، به پیشگیری از بیماری‌ها و درمان آن‌ها می‌پردازند.

موفقیت‌های دانشمندان علوم طبیعی ← باعث شد عده‌ای از جامعه‌شناسان علاقه‌مند شدند تا شباهت‌های جامعه و پدیده‌هایی همچون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند و نظم موجود در جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای ماشین بدانند.

از نظر این جامعه‌شناسان، جوامع از انسان‌ها، نهادها، سازمان‌ها، ساختمان‌ها، خیابان‌ها، خودروها و بسیاری از عناصر دیگر تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ همان‌طور که بدن و ماشین از اجزایی تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند.

این تصور از جامعه و نظم اجتماعی (که آن را مشابه نظم موجود در طبیعت و پدیده‌های طبیعی می‌دانند)، به **جامعه‌شناسی تبیینی** مشهور است.

همهٔ اون چیزایی رو که پیش‌تر در مورد مقایسهٔ جامعه‌شناسی تبیینی با علوم طبیعی فوندیم، می‌تونن به یه توی مدل زیر ببینن و به فاطر بسپاری؛

علوم طبیعی		جامعه‌شناسی تبیینی
موضوع	طبیعت و پدیده‌های طبیعی	جامعه و پدیده‌های اجتماعی (پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند).
روش مطالعه	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	حس و تجربه (نگاه از بیرون)
هدف	پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت از طریق شناخت نظم موجود در طبیعت	پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل پدیده‌های اجتماعی از طریق شناخت نظم اجتماعی

اصول جامعه‌شناسی تبیینی جامعه‌شناسان تبیین‌گرا: ۱ علوم طبیعی را الگوی خود می‌دانند و روش‌های علوم طبیعی را به کار می‌گیرند.

۲ معتقدند همان‌طور که فرمول‌های فیزیک می‌توانند نظم میان اجزای یک خودرو را نشان دهند، جامعه‌شناسی نیز باید بتواند به فرمول‌هایی برای توضیح نظم اجتماعی دست پیدا کند.

۳ بر این باورند همان‌گونه که علوم طبیعی، امکان شناخت و کنترل طبیعت را برای ما فراهم آورده‌اند، جامعه‌شناسی نیز باید شناخت و کنترل جامعه و برقراری نظم اجتماعی را ممکن سازد.

مثال: لمبروزو در تحقیقاتی دربارهٔ رفتار جنایی، جرمه‌ها، اسلک‌ها، مدل‌های مومی و اشیای متعلق به مجرمان را جمع‌آوری کرد. او با روش تبیینی می‌خواست مجرم بودن یا نبودن افراد را با مشاهدهٔ ویژگی‌های جسمانی و ظاهری آن‌ها تشخیص دهد و برای این منظور، ابزارهایی مانند نبض‌نگار آبی، جرمه‌نگار، آوانگاشت و ... را به کار گرفت.

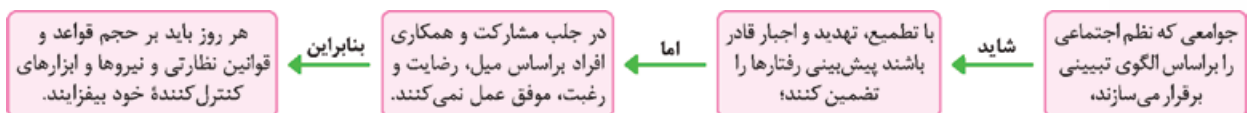
نقد به رویکرد تبیینی: جامعه و نظم اجتماعی را می‌توان به موجود زنده تشبیه کرد، ولی باید به این نکته توجه داشت که جامعه، واقعاً یک موجود زنده نیست، بلکه فقط شبیه یک موجود زنده است. برخی رویکردهای جامعه‌شناسی به تفاوت این دو عبارت توجه کافی نداشته‌اند.

«جامعه» را می‌توان با «انسان» مقایسه کرد: عده‌ای، جامعه را با «بدن» انسان مقایسه می‌کنند و عده‌ای دیگر، جامعه را با «روح» انسان مقایسه می‌کنند. البته همان‌طور که انسان بدن و روح دارد، جامعه هم «بیرون» و «درون» دارد.

نکته: جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه و نظم اجتماعی را بیشتر براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر قرارداد، ترس و اجبار می‌داند.

افراد جامعه براساس نوعی قرارداد، قواعد و مقرراتی را می‌پذیرند؛ این قواعد:

۱ نفع افراد جامعه را تأمین می‌کنند. ۲ از افراد در برابر گزندها و آسیب‌ها محافظت می‌کنند.

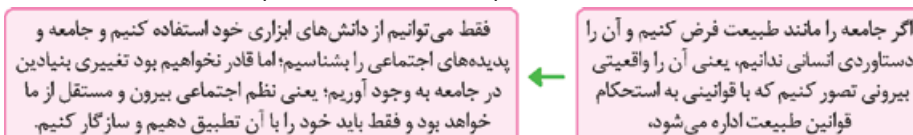


مقایسه دقیق‌تر طبیعت و جامعه: ماشین و بدن انسان براساس قوانین طبیعی عمل می‌کنند. طبیعت بیرون و مستقل از ماست؛ یعنی:

۱ ما طبیعت را پدید نیآورده‌ایم و قبل از ما نیز وجود داشته است.

۲ تلاش ما برای شناخت قوانین طبیعت به هیچ وجه قوانین طبیعی را تغییر نمی‌دهد.

۳ ما فقط می‌توانیم قوانین طبیعی را بشناسیم، سپس با استفاده از علوم طبیعی و تا جایی که این قوانین به ما اجازه می‌دهند، در طبیعت و پدیده‌هایی مانند ماشین و بدن انسان که براساس قوانین طبیعی عمل می‌کنند، تغییراتی ایجاد نماییم و آن پدیده‌ها را کنترل کنیم.



نکته: یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه، انسان‌ها را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد، در حالی که جامعه برخلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش‌های انسان‌هاست و بود و نبود آن وابسته به انسان است.

سه نکته مهم درباره جامعه‌شناسی تبیینی: ۱) جامعه‌شناسی تبیینی که می‌خواست انسان را بر جامعه مسلط کنند، او را مغلوب جامعه ساخت. ۲) در دیدگاه تبیینی:

انسان	صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می‌شود، در حالی که انسان‌ها با موجودات طبیعی، تفاوت‌های بنیادی دارند.
جامعه	صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده تلقی می‌شود و تفاوت میان جوامع مختلف تنها تفاوتی کمی فرض می‌گردد. مثال: برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده‌ترند؛ یعنی در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل، پیشرفته‌ترند. اما فب تفاوت جوامع که فقط در میزان پیشرفت اونا فاصله نمی‌شود؛ بلکه جوامع تفاوت‌های دیگه‌ای هم با هم دارند!

نکته ترکیبی: دیدگاه جامعه‌شناسی تبیینی در ارتباط با جامعه، نشان‌دهنده دیدگاه طولی نسبت به سرگذشت و سرنوشت جوامع است.

۳) طرفداران این دیدگاه (یعنی تبیین‌گرایان) گمان می‌کنند که همه جوامع مسیر یکسانی را به سوی پیشرفت طی می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند، در حالی که واقعیت این است که انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگونی را پدید آورند.



در دشت نازکای پرو، صدها خط ساده و شکل هندسی و شکل حیوان، حشره و انسان وجود دارد که برخی از آن‌ها حدود ۲۷۰ متر درازا دارند. همیشه این سؤال وجود دارد که مردم نازکا (۴۲۰۰ ق م - ۷۰۰ ق م) چگونه توانسته‌اند این خطوط را با محاسبات دقیق، با استفاده از وسایل ساده و بدون تجهیزات زمین‌پیمایی و نقشه‌کشی رسم کنند.



روش اولیه ساخت پولاد دمشقی در تاریخ گم شده است. در ساخت این پولاد از نانولوله‌ها و ریزرشته‌های کربنی استفاده می‌شد که چگونگی آن هنوز ناشناخته است.

نکته: بدون تردید، انسان نیز مانند موجودات طبیعی، ویژگی‌های مادی و حسی دارد؛ به همین دلیل، در برخی موارد، بر زندگی انسان‌ها و موجودات طبیعی، قوانین مشترکی حاکم است. ما با شناسایی این قوانین، قدرت دستکاری در آن‌ها برای بهبودبخشیدن به آن‌ها را به دست می‌آوریم، ولی به هر حال، بین انسان‌ها و موجودات طبیعی، تفاوت‌های بنیادی نیز وجود دارد.

درس چهارم: کنش اجتماعی

قبل از هر چی، به مثال تاریخی درباره مقاومت مردم عراق در برابر همله داعش می‌فونیم و بعداً فودت می‌فهمی که ریش به جامعه‌شناسی و این درس پیه! اواخر سال ۱۳۹۲، داعش ظرف یک روز موصل (مرکز استان نینوا در عراق) را اشغال کرد و آن را به عنوان پایتخت حکومت خود معرفی نمود. سپس با ارتشی حدود ۲۰۰ هزار نفر به سوی استان صلاح‌الدین هجوم برد و در مدت کوتاهی آن را نیز تصرف کرد. داعش در تدارک جشن پیروزی بود که خبر رسید یکی از شهرهای کوچک این استان به نام «آمرلی» با ۲۰ هزار نفر جمعیت، در برابر داعش مقاومت می‌کند. بنابراین داعش آب و برق شهر آمرلی را قطع کرد و مسیرهای ارسال غذا و دارو به این شهر را بست؛ اما مردم آمرلی قصد داشتند با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و فرهنگی خود و برخلاف نظم و نظریات معمول، در برابر ۲۰۰ هزار داعشی بایستند. مردم آمرلی، با کم‌ترین نیرو و امکانات نظامی، ۸۰ روز مقاومت کردند تا این که گروه‌های مقاومت عراق خود را به این شهر رساندند و حصر آمرلی شکسته شد.

نکته: الگوی مقاومت آمرلی، نظامی نبود، بلکه کاملاً فرهنگی بود؛ زیرا مردمان این شهر، گرچه سرباز نبودند، ولی متعهد بودند.

انتشار خبر پیروزی آمرلی برای داعش بسیار گران تمام شد؛ زیرا دیگر شهرهای عراق نیز با همین الگو، در برابر داعش ایستادند و سه سال بعد موصل آزاد شد. از مثال بالا می‌فهمیم که دو نوع مبارزه داریم:

مبارزه نظامی (جنگ منظم)	همونی که سربازهای مهپور (نه داوطلب) انعام می‌دن و از نظم مشخصی پیروی می‌کند.
جنگ‌های نامنظم	مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان داوطلب محلی یک منطقه است.

در جنگ‌های نامنظم، سربازان داوطلب محلی:

- ۱) قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. دشمن گرم!
- ۲) به جای اجرای نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی‌شده، متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود، عمل می‌کنند.
- ۳) به خاطر انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنوی خود، توانی فراتر از نظم موجود به دست می‌آورند.

۱- نخستین بار، شهید مصطفی چمران، اصطلاح «جنگ‌های نامنظم» را به کار برد و روش‌های ویژه‌ای را برای آن ابداع کرد.

- ۴۹۱- به ترتیب کدام یک در رابطه با اقتصاد وابسته به نفت یک کشور درست نیست، ولی درباره فعالیت‌های جهان غرب در مقابله با جهان اسلام درست است؟
 (۱) ممکن است در کوتاه مدت احساس رفاه بیشتری با نوسانات کم برای مردم به ارمغان آورد. - ارائه تفسیرهای دینی از اسلام و حمایت از اسلام آمریکایی در مقابل انقلاب اسلامی
 (۲) صادرات نفت موجب درونزایی در عین برون گرایی می‌شود. - ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام
 (۳) وضعیت شکننده‌ای به وجود می‌آورد که می‌تواند آن کشور را مورد سوء استفاده طمع‌ورزان بین‌المللی قرار دهد. - تبلیغ معنویت‌های کاذب در کشورهای غربی برای ارائه تصویری غیرعقلانی از فرهنگ اسلام
 (۴) این نوع اقتصاد دولت بزرگی به وجود می‌آورد که می‌کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار افزایش دهد. - مقابله نظامی و سیاسی از طریق حضور مستقیم مانند آن‌چه در عراق رخ داده است.
- ۴۹۲- هر یک از موارد زیر، به ترتیب، مربوط به کدام است؟

- ترویج مزرعه‌داری دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی
 - با شناخت نظم اجتماعی به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد.
 - تندیس کودکان قربانی در شهر پراگ جمهوری چک
 - هر چه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر شود، انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد.
- (۱) اقتصاد کمونیستی - جامعه‌شناسی تبیینی - جنگ سرد - پوزیتیویسم
 (۲) فنودالیسم - جامعه‌شناسی تفهیمی - فحطی و خشکسالی - هم‌تغییری پدیده‌های اجتماعی
 (۳) اقتصاد سرمایه‌داری - جامعه‌شناسی انتقادی - جنگ جهانی اول - تفسیر
 (۴) اتحاد جماهیر شوروی - جامعه‌شناسی پوزیتیویستی - جنگ جهانی دوم - تبیین
- ۴۹۳- در کدام گزینه، تمام عبارتها درباره مفهوم مشخص شده درست است؟

- (۱) دیدگاه مستشرقان: هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی است و اساطیری نیست. - فرهنگ جوامع اسلامی سکولار نیست، ولی در ابعاد تاریخی و جغرافیایی خود محدود است. - مستشرقان به جای بازخوانی و مطالعه به بازسازی و خلق هویت شرقی از منظر جهان غرب پرداختند.
 (۲) نگاه تک‌خطی به جهان‌های اجتماعی: جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند، ولی مسیر یکسانی را طی نمی‌کنند. - از جوامع مکانیکی و ارگانیکی سخن می‌گویند. - نظریه استعمار بر پایه این دیدگاه به وجود آمد.
 (۳) سیاست هویت: با تأکید افراطی بر تفاوت‌ها سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود. - محصول دوره پسامدرن است و از پیدایش آن به بازشدن جعبه پاندورا یاد می‌کنند. - به رسمیت شناختن و حمایت از گروه‌های به حاشیه‌رانده یکی از چهره‌های سیاست هویت است.
 (۴) طرفداران عدالت اجتماعی: از نظر آن‌ها در مدل لیبرالیستی، نقطه آغاز رقابت و در مدل کمونیستی، نقطه پایان رقابت عادلانه نیست. - این رویکرد نه با رهاسازی مطلق موافق است و نه با کنترل مطلق. - در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو می‌شود، اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند.

آزمون جامع شبیه‌ساز کنکور - شماره ۳

- ۴۹۴- به ترتیب، عبارت‌های مرتبط با مفاهیم زیر کدام‌اند؟

- تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی
 - تناسب جهان ذهنی با جهان فرهنگی
 - گستره جهان اجتماعی
 - گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و گروهی

- (۱) زندگی اجتماعی انسان‌ها، طبیعت را تهدید می‌کند. - هنگامی که فرد اندیشه‌اش را به صورت نوشته بیان می‌کند از جهان ذهنی به جهان فرهنگی وارد می‌شود. - گستره جهان اجتماعی به اندازه دانش و آگاهی آن است، به این معنا که مرزهای جهان اجتماعی همان مرزهای دانش آن است. - بُعد سیاسی مدل تکثرگرا
 (۲) افراد ساکن کشورهای آسیای میانه، اخلاقی متفاوت از مناطق دیگر آسیا دارند. - هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد. - شناخت ستارگان، سیارات و ... آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد. - بُعد فرهنگی مدل همانندسازی
 (۳) جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می‌شود. - جهان فرهنگی مهم‌تر از جهان ذهنی است و جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست. - ساختن خانه‌های مقاوم برای مقابله با زلزله و بلایای طبیعی - بُعد اجتماعی مدل همانندسازی
 (۴) در مناطق استوایی، شیوه زندگی مردم متفاوت از مناطق قطبی است. - هر نوع عقیده و اخلاقی، فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند. - موجودات ماوراءطبیعی همانند موجودات طبیعی، به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، در گستره جهان اجتماعی قرار می‌گیرند. - بُعد اجتماعی مدل تکثرگرا
- ۴۹۵- کدام توصیف مربوط به ابوریحان بیرونی است؟

- (۱) برخلاف فارابی به دانش عقلی توجه لازم را ندارد و بیشتر از روش حسی و تجربی استفاده می‌کند.
 (۲) در کتاب تحقیق ماله‌ند با روش تجربی و تفهیمی، فرهنگ جامعه هند را توصیف کرده و با استفاده از روش عقلی، به ارزیابی انتقادی این فرهنگ پرداخته است.
 (۳) با استفاده از تجربه تاریخی جوامع پیرامون خود از عصبیت به عنوان عامل شکل‌گیری جوامع یاد می‌کند و این دریافت خود را به همه جوامع تعمیم می‌دهد.
 (۴) علم مدنی او از همه ظرفیت‌های علوم اجتماعی برخوردار است و به توصیف و فهم کنش‌ها و ساختارهای جوامع مختلف می‌پردازد.

۴۹۶- فرایند شکل گیری نظام نوین جهانی چگونه بود؟

- (۱) در دو سده نوزدهم و بیستم، سازمان دهی سیاسی و فرهنگی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی درآورد و بدین سان نظام نوین جهانی شکل گرفت.
- (۲) در سده های هفدهم تا بیستم، اقتصاد گسترده ای شکل گرفت که تقسیم کارش از مرزهای سیاسی و فرهنگی موجود فراتر رفت و نظامی در سطح جهان با عنوان نظام نوین جهانی پدید آورد که جوامع غربی را به صورت مرکز و سایر جوامع را به صورت پیرامون درآورد.
- (۳) سازمان دهی نظامی و سیاسی در دو سده هجدهم و نوزدهم موجب شد کشورهای غیر غربی در حاشیه روابط و سازمان های سیاسی و اقتصادی جهانی وضعیتی متزلزل پیدا کرده و در نظام نوین جهانی ادغام شوند.
- (۴) در سده شانزدهم، فرهنگ غرب برای بسط و گسترش ابعاد دنیوی خود به سوی حذف پوشش دینی گام برداشت و به تفسیر غیرتوحیدی فرهنگ یونان و روم بازگشت و از این به بعد نظام نوین جهانی پدید آمد.

۴۹۷- پاسخ سؤال های زیر به ترتیب کدام است؟

- تحقق ارزش ها و هنجارهای اجتماعی چه پدیده هایی را ضروری می سازند؟

- متفکران از بحران معنویت در غرب با چه عنوانی یاد می کنند؟

- جامعه شناسان پوزیتیویستی یا تبیینی قدرت را به عنوان چه پدیده ای مطالعه می کنند؟

- (۱) کنترل اجتماعی و جامعه پذیری - افول سکولاریسم - فرهنگی و ارزشی (۲) نهادها و نظام های اجتماعی - سکولاریسم - معنادار و ارزشی
- (۳) کنترل اجتماعی و جامعه پذیری - پاسکولاریسم - خنثی و فاقد معنا (۴) نهادها و نظام های اجتماعی - پسامدرنیسم - غیرعلمی و بی معنا

۴۹۸- هر یک از موارد زیر با کدام نوع جامعه شناسی در ارتباط است؟

- تأکید بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی

- ناتوان از ارائه معیارهای علمی برای داوری و انتقاد از وضعیت موجود

- راه یابی به معانی نهفته در کنش ها برای فهم زندگی اجتماعی

- نقد وضعیت موجود جامعه برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب تر

- (۱) جامعه شناسی انتقادی - جامعه شناسی تبیینی - جامعه شناسی تفسیری - جامعه شناسی تفسیری
- (۲) جامعه شناسی پوزیتیویستی - جامعه شناسی انتقادی - جامعه شناسی انتقادی - جامعه شناسی انتقادی
- (۳) جامعه شناسی تفسیری - جامعه شناسی پوزیتیویستی - جامعه شناسی تفسیری - جامعه شناسی انتقادی
- (۴) جامعه شناسی انتقادی - جامعه شناسی تفسیری - جامعه شناسی پوزیتیویستی - جامعه شناسی تفسیری

۴۹۹- به ترتیب موارد زیر با چه موضوعی ارتباط دارند؟

- توجه به گفتار طرف مقابل هنگام گفت و گو

- پرداختن به حالات روانی آدمیان در زندگی روزمره دنیوی

- حفظ فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیر غربی

(۱) پدیده اجتماعی - بحران هویت - تک محصولی شدن

(۳) جامعه پذیری - فرهنگ اساطیری - وابستگی کشورهای استعمارزده

۵۰۰- پاسخ هر یک از سؤالات زیر به ترتیب کدام است؟

- کدام عبارت مربوط به دیدگاه ریکاردو نیست؟

- عبارت درست در مورد تحولات هویتی کدام است؟

- کدام عبارت، ویژگی مدینه فاضله از نظر فارابی نیست؟

- در مورد انقلاب فرانسه کدام عبارت درست است؟

- (۱) مخالف افزایش حقوق کارگران بود. - بر محور علم سازمان می یابد. - عدم پافشاری یک جهان اجتماعی بر عقاید و ارزش های خود و سرایت دادوستد فرهنگی به لایه های عمیق آن - تحت تأثیر تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی بود.
- (۲) کسانی که در فقر متولد می شوند، حق حیات ندارند. - علم در مدینه فاضله به علوم عقلی و علوم وحیانی محدود می گردد. - میان شیوه های زندگی مردم و عقاید و ارزش های جهان اجتماعی ناسازگاری پیش می آید. - انقلاب سکولاری بود که رویکرد سوسیالیستی داشت.
- (۳) مخالف مداخله دولت در اقتصاد بود. - براساس سنت و قانون الهی شکل می گیرد. - منجر به تردید در عقاید و ارزش هایی می شود که جهان اجتماعی براساس آن ها شکل گرفته است. - ریشه در اندیشه های فلسفی عصر روشنگری داشت.
- (۴) طبیعت حکم به رفتن کسانی می کند که جامعه خواهان کار آن ها نیستند. - براساس فضیلت انسانی شکل می گیرد. - جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ مصر، زمینه تحول هویتی این فرهنگ را پدید آورد. - ابتدا در خاستگاه خود گرفتار مشکلاتی شد.

۵۰۱- به ترتیب کدام عبارت های درست در ارتباط با «اقتدار» و «لیبرالیسم اولیه» و عبارت نادرست درباره «تهاجم اقتصادی استعمارگران غربی» کدام اند؟

- (۱) عناصر اصلی آن مقبولیت و به رسمیت شناخته شدن قدرت است. - مشکلات لیبرالیسم اقتصادی از بین رفتن آزادی افراد و پیدایش طبقه جدید بود. - اقتصاد، روزنه ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی و فرهنگی جوامع به شمار می رود.
- (۲) حاصل قدرت اجتماعی بالا و توافق حاصل از ترس و تهدید است. - حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی موجب آن شد که دولتمردان انگلیسی از هر اقدامی برای مقابله با قحطی خودداری کنند. - برخی از کشورهای سلطه گر که پاشنه آشیل ایران را اقتصاد می دانند، جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته اند.
- (۳) قدرتی است که با رضایت طرف مقابل به دست می آید و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد. - با تکیه بر شعار آزادی و به ویژه آزادی اقتصادی و با نادیده گرفتن عدالت باعث شکل گیری چالش فقر و غنا در کشورهای غربی شد. - در زمان قاجار با اخذ امتیاز رویتر و در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت و اخذ امتیاز رژی انجام شد.
- (۴) عناصر اصلی آن مشروعیت و مقبولیت است. - فعالیت صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می داند. - کمپانی هند شرقی انگلیس عملاً برای هویت زدایی غارت و چپاول دارایی های عظیم هند بود.

۵۰۲- به ترتیب عبارت نادرست در مورد «سیاست هویت یا مدل تکثرگرا» و عبارت درست در ارتباط با «جنبش مشروطه» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) در دورهٔ پسامدرن، هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آن‌ها تعریف می‌شود. - در جریان انقلاب مشروطه، رقابت میان منورالفکران و روشنفکران چپ بود که با دخالت انگلستان به نفع جریان منورالفکران پایان یافت.
- (۲) در مدل تکثرگرا تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی حفظ نمی‌شود و وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی ضروری دانسته می‌شود. - از نظر منورالفکران مشروطه‌خواه، در مجلس مورد نظر، قوانین باید براساس اراده و خواست بشر تنظیم و تدوین می‌شد.
- (۳) در دورهٔ پسامدرن در عرصه‌های قدرت، ثروت، هویت و دانش، سیاست هویت ایجاد می‌شود و تنازع و درگیری افزایش می‌یابد. - با اوج‌گیری جنبش عدالتخانه، منورالفکران غرب‌گرا به آن پیوستند و در جریان بست‌نشینی در سفارتخانهٔ انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند.
- (۴) در مدل تکثرگرا، راهکارهای مسالمت‌آمیزی برای حل منازعات گروهی و قومی ارائه می‌گردد. - رهبران دینی پس از شکست در مشروطه، از موضع مقاومت منفی به موضع فعالیت رقابت‌آمیز بازگشتند و زمینه برای وقوع انقلاب اسلامی ایران فراهم شد.

۵۰۳- به ترتیب هر یک از موارد زیر، پیامد چیست؟

- دست‌برد داشتن علم از داوری‌های ارزشی
- نادیده گرفتن نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن قشربندی اجتماعی
- مدینه فاسقه براساس دیدگاه فارابی

- (۱) محدود شدن علم به امور طبیعی - نابرابری‌های طبیعی را نتیجهٔ نابرابری‌های اجتماعی دانستن - انحراف نظری از مدینه فاضله
- (۲) روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی - طبیعی‌دانستن قشربندی اجتماعی - انحراف عملی از مدینه فاضله
- (۳) روشن شدن این‌که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است. - تأکید بر کارکردهای قشربندی - سخن‌نگفتن از آرمان‌ها و حقیقت زندگی در این جامعه
- (۴) بسنده کردن به شناخت عقلی و تجربی - تأثیر روابط سلطه‌جویانه در نابرابری‌های اجتماعی - بی‌بهره بودن این جامعه از علوم عقلی

۵۰۴- به ترتیب پاسخ پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

- در فرهنگ مدرن، گرایش‌ها و رفتارهای دینی در چه صورتی امکان مطرح شدن دارند؟
- به چه دلیل مطالعات پوزیتیویستی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده محدود شده است؟
- کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از چه طریقی موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی را برمی‌دارند؟
- ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را چگونه دنبال می‌کند؟

- (۱) تنها با توجه دنیوی امکان مطرح شدن دارند. - نادیده گرفتن معنای کنش - از طریق سازمان‌های بین‌المللی - با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
- (۲) امکان بروز و ظهور این دسته از رفتارها و گرایش‌ها در فرهنگ مدرن غرب وجود ندارد. - عدم توجه به آگاهانه بودن کنش - با مخدوش ساختن استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف - با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
- (۳) تنها در حوزهٔ فرهنگ عمومی امکان مطرح شدن دارند، ولی در حوزهٔ تخصصی این امکان وجود ندارد. - به دلیل یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی - با تشکیل بازارهای مشترک منطقه‌ای - از طریق مقابله با شیوه‌های اقتصادی سرمایه‌داری غرب و منع خام‌فروشی ثروت‌های طبیعی خود
- (۴) در صورتی که این رفتارها و گرایش‌ها در محدودهٔ زندگی شخصی و خصوصی افراد باقی بمانند. - نادیده گرفتن ارادهٔ کنشگر - از طریق گسترش صنعت ارتباطات - با اتکا به دانش و فناوری و با تأکید بر استقلال و خودکفایی

۵۰۵- به ترتیب، صحیح یا غلط بودن عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

- در علوم اجتماعی جهان اسلام تفسیر، نوعی تبیین و استدلال عقلانی به شمار می‌آید.
- میرزای نائینی، با تبیین نظام مشروطه آن را بهترین نظام ممکن در شرایط موجود آن روزگار می‌دانست.
- مدل رایج سیاست‌گذاری هویتی در دورهٔ پسامدرن، «هماندسازی» بود.
- لازمهٔ تحقق هدف اسلام یعنی تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن، اقتصاد مناسب است.

(۱) ص - غ - غ - ص (۲) ص - ص - غ - غ (۳) غ - غ - ص - ص (۴) ص - ص - غ - ص

۵۰۶- به ترتیب، هر یک از موارد زیر پیامد چیست؟

- تحقق نیافتن جهان اجتماعی توحیدی
- قابل مطالعه علمی ندانستن ارزش‌های سیاسی در جامعه‌شناسی تبیینی

- (۱) استبداد قومی و استبداد استعماری در جوامع اسلامی - نقد جهان‌های اجتماعی سکولار غرب و پیامدهای آن - عدم توجه به کنش اجتماعی و ویژگی‌های آن
- (۲) خودباختگی فرهنگی جوامع اسلامی در مقابل کشورهای غربی - نقد دیدگاه مستشرقان دربارهٔ جوامع اسلامی - خنثی و فاقد معنا دانستن این پدیده‌ها
- (۳) فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت، بسط می‌یابد، فرهنگ باطل باشد. - نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب - منحصر کردن علم به علم تجربی
- (۴) افراد گسترش‌دهندهٔ فرهنگ حاملان و عاملان معانی حق نباشند. - نقد هویت‌های کاذب مسلمانان - نادیده گرفتن پیچیدگی و عمق این پدیده‌ها

۵۰۷- پاسخ پرسش‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- درک کنش انسان‌ها مربوط به کدام نوع عقل است؟
- امام خمینی فعالیت رقابت‌آمیز را با چه حرکتی آغاز کرد؟
- (۱) عقل تفسیری - به علت شناخت فضیلت و داوری دربارهٔ کنش‌های خوب و بد انسان - با تبیین مشکلات مشروطه - جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند.
- (۲) عقل ابزاری - دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهد. - با تبیین حکومت ولایت فقیه - جهان اجتماعی مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد.
- (۳) عقل تجربی - به علت رها کردن انسان از ساختارهای ظالمانه و سلطه‌گرانه - با اعتراض به کاپیتولیسیون - در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند، می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند.
- (۴) عقل تفسیری - به انسان‌ها کمک می‌کند که از علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند. - با اعتراض به رفتار استعماری شاه - جهان‌های اجتماعی مختلف می‌توانند با حفظ هویت خود، مسیر دیگری را ادامه دهند.

۵۰۸- به ترتیب هر یک از عبارت‌های زیر مربوط به دیدگاه کدام متفکر و شخصیت است؟

- علت وجود کاست‌ها در جامعه هند را باورهای دینی هندوها می‌داند.

- آنچه جامعه‌شناسان از مطالعه پدیده‌ها می‌فهمند، باید با روش تجربی اثبات شود.

- نظام لیبرال دموکراسی محصول نهایی تاریخ بشر است.

- بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد.

(۲) ابوریحان بیرونی - ماکس وبر - فوکویاما - آگوست کنت

(۱) ابوعلی مسکویه - ماکس وبر - ماکس - آگوست کنت

(۴) فارابی - آگوست کنت - فوکویاما - ماکس

(۳) ابن خلدون - آگوست کنت - هانتینگتون - ماکس

آزمون جامع شبیه‌ساز کنکور - شماره ۴

۵۰۹- کدام عبارت در مورد عقاید و ارزش‌های حق و باطل درست نیست؟

(۱) هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشند، حق است.

(۲) حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

(۳) حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های مختلف نسبت به آن‌ها تعیین نمی‌شود.

(۴) عقاید و ارزش‌های حق یا باطل از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف دستخوش تغییر می‌شوند.

۵۱۰- به ترتیب در رابطه با آثار فرهنگ جدید غرب در حوزه‌های «اقتصاد - سیاست - حقوق انسان‌ها - علم و فناوری» کدام گزینه درست است؟

(۱) گسترش تجارت و پس از آن صنعت - جایز دانستن همه امور در قیاس با خواست انسان - توجه به خواسته‌ها و نیازهای صرفاً طبیعی و این جهانی - علوم تجربی در بین علوم مختلف بیشترین اهمیت را پیدا کرد.

(۲) بر مبنای اصول فئودالیسم - شکل‌گیری اندیشه سیاسی لیبرالیسم - مبتنی بر ربوبیت پروردگار و فطرت الهی انسان - غلبه دانش ابزاری و شکل‌گیری علمی که جنبه ملکی دارد.

(۳) تغییر روابط ارباب و رعیت به روابط کارگران و سرمایه‌داران - توجیه دینی عملکرد دنیوی نظام سیاسی - رویگردانی از نگاه معنوی در تعیین حقوق انسان‌ها - شکل‌گیری علمی که وظیفه شناخت حقیقت عالم را دارد.

(۴) وابستگی کارگران به کارخانه‌ها و ایجاد قشر جدید سرمایه‌داران - شکل‌گیری اندیشه سیاسی لیبرالیسم - مبتنی بر ربوبیت پروردگار و فطرت طبیعی انسان - شکل‌گیری علمی که به ابزار تسلط انسان بر طبیعت تبدیل شد.

۵۱۱- این موارد، به ترتیب چگونه و از چه طریقی محقق می‌شوند؟

- از بین رفتن آزادی افراد

- پایان مبارزات عقیدتی سیاسی بشر از نظر فوکویاما

- مخالفت با ارزش‌های دموکراتیک غرب

(۱) گسترش سرمایه‌داری - جنگ تمدن‌ها - شکل‌گیری علوم انسانی بر بنیان‌های معرفت‌شناختی پسامدرن

(۲) امپریالیسم سیاسی - پایان هراس جامعه جهانی نسبت به بلوک شرق - متزلزل شدن هویت فرهنگی جوامع غربی

(۳) نظام‌های سلطه‌گر - شکل‌گیری قطب‌بندی جدید فرهنگی و تمدنی - بازنگری و ارزیابی هویت فرهنگ‌های دینی بر پایه بنیان‌های معرفت دینی

(۴) تحقق جوامع سوسیالیستی - فروپاشی بلوک شرق و غلبه نظام لیبرال دموکراسی - تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی

۵۱۲- عبارت‌های مرتبط با «راهنمای کنش اجتماعی»، «قدرت نرم» و «تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) نظام اجتماعی - استفاده از قدرت نرم یا همان قدرت رسانه‌ای برای تغییر ساختار سیاسی جامعه - پیامد استبداد استعماری آتاتورک در ترکیه که منجر به مخدوش شدن هویت فرهنگی این جامعه شد.

(۲) قواعد اجتماعی - بهره‌گیری کشورهای غربی از رسانه‌ها برای مخدوش ساختن هویت فرهنگی کشورهای دیگر - نمونه‌ای از فعالیت‌های حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان که با اتکا به قدرت استعمار، کشورهای خود را دچار خودباختگی فرهنگی کردند.

(۳) نظم اجتماعی - مقابله با نظام‌های وابسته به غرب از طریق قدرت نرم - تلاش قدرت‌های سکولار کشورهای مسلمان در جهت حذف مظاهر دینی و اسلامی

(۴) ارزش‌های اجتماعی - تغییر فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز - از اقدامات آتاتورک در ترکیه برای حذف ساختارهای اجتماعی پیشین این کشور

۵۱۳- سیر و روند کدام یک درست نیست؟

(۱) غلبه رویکرد تفسیری در جامعه‌شناسی - خارج شدن داوری درباره ارزش‌ها از قلمرو علوم اجتماعی - جدایی دانش از ارزش - غلبه رویکرد انتقادی - بازگشت دعاوی انتقادی و تجویزی به علوم اجتماعی - پیوند دانش و ارزش - شکل‌گیری دانش انتقادی

(۲) علم‌دانستن دانش‌های مبتنی بر علوم تجربی در جهان متجدد - علم‌ندانستن علوم عقلی و وحیانی - افول علوم عقلی و وحیانی - عدم امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری - سپرده‌شدن داوری درباره آرمان‌ها و ارزش‌ها به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق

(۳) ظهور جهان متجدد و شکل‌گیری دولت - ملت‌ها - تعریف هویت از منظر دولت - ملت‌ها - استفاده از مدل همانندسازی در دوره مدرن - از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف - نقد مدل همانندسازی - تعریف هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف - شکل‌گیری مدل تکثرگرا

(۴) لیبرالیسم اولیه - قائل بودن به آزادی فعالیت صاحبان سرمایه - بیهوده‌دانستن کمک به مستمندان - تکیه بر شعار آزادی و نادیده گرفتن عدالت - شکل‌گیری چالش فقر و غنا - انتقاد برخی از نظریه‌پردازان به لیبرالیسم اقتصادی - شکل‌گیری نظریه ماکس - تشکیل احزاب سوسیالیستی و کمونیستی

۳۱۸- گزینه ۴

وجود نظریات متفاوت در مورد پدیده‌های اجتماعی، نشانهٔ پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی و البته دشواری فهم آن‌هاست. برخی رویکردهای اجتماعی برای دستیابی به پاسخ‌های سرراست و قابل پیش‌بینی دربارهٔ چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی، پیچیدگی و عمق آن‌ها را نادیده می‌گیرند و از پدیده‌های اجتماعی و انسانی هویت‌زدایی می‌کنند.

فاصلهٔ میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به داوری دربارهٔ ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها می‌کشاند.

اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود، گرفتار کپولت و مرگ می‌شود. عدم پاسخ فرهنگ به پرسش‌های اساسی انسان‌ها می‌تواند موجب ناامیدی و یا خودکشی افراد شود.

۳۱۹- گزینه ۳

بررسی عبارت‌ها: عبارت اول: نادرست ← منوّرالفکران غرب‌گرا، مشروطه را نوعی حکومت، مانند حکومت مشروطهٔ انگلستان می‌دانستند. **عبارت دوم:** درست ← جنگ تمدن‌ها از سوی ساموئل هانتینگتون پس از قبول حضور فرهنگی اسلام مطرح شد.

عبارت سوم: نادرست ← جامعه‌شناسان در مطالعهٔ نابرابری‌های اجتماعی به قشربندی توجه دارند، نه شایستگی.

عبارت چهارم: نادرست ← این‌که «دانایی بهتر از نادانی است.» یک ارزش محسوب می‌شود.

۳۲۰- گزینه ۳

تیزبازی هر یک از رویکردهای اصلی جامعه‌شناسی در یک درس از کتاب دوازدهم مورد بررسی قرار می‌گیرند. اسم این درس‌ها با موضوع اصلی این رویکردها مرتبط است؛ پس به اسم درس‌ها هم توجه کنید؛ چون ممکن است از آن‌ها هم سؤال مطرح شود.

درس ۳	جامعه‌شناسی تبیینی	نظم اجتماعی
درس ۵	جامعه‌شناسی تفسیری	معنای زندگی
درس ۷	جامعه‌شناسی انتقادی	نابرابری اجتماعی

غلبهٔ رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب شد که کار داوری دربارهٔ ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد و غیرعلمی قلمداد شود. نقطهٔ قوت جامعه‌شناسی تبیینی، مطالعهٔ نظم اجتماعی است. نقطهٔ قوت جامعه‌شناسی انتقادی، مطالعهٔ نابرابری اجتماعی است.

۳۲۱- گزینه ۲

به سبب این‌که بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند، کسانی که فقط روش‌های تجربی را معتبر می‌دانند، با انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی و مذهبی، دچار اخلاق‌گریزی می‌شوند.

تبیین، بیان چرایی یک پدیده یا نشان‌دادن علت ایجاد یا زوال آن است. موارد زیر، بیانگر تبیین‌اند: ۱- حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود. ۲- رکود اقتصادی باعث می‌شود بیکاری در جامعه افزایش یابد. ۳- هر چه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر باشد، انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد. مطابق با رویکرد انتقادی، نباید ارادهٔ فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگری تحمیل شود یا گروهی از گسترهٔ جغرافیایی و محدودهٔ تاریخی خود فراتر رود و بر فرهنگ دیگری اعمال سلطه کند.

۳۲۲- گزینه ۴

به سبب این‌که بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند، کسانی که فقط روش‌های تجربی را معتبر می‌دانند، با انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی و مذهبی، دچار اخلاق‌گریزی می‌شوند.

نقد، داوری، تجویز و تشویق از کارکردهای جامعه‌شناسی انتقادی است.

موارد زیر نشان‌دهندهٔ رویکرد تبیینی است: ۱- حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود. ۲- رکود اقتصادی باعث می‌شود بیکاری در جامعه افزایش یابد. ۳- هر چه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر باشد، انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد.

از نظر ماکس وبر (از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی تفسیری)، جامعه‌شناس توان فهم یا توصیف را دارد، اما امکان داوری و تشخیص درستی یا نادرستی را ندارد.

۳۲۳- گزینه ۱ مطالعهٔ نظم اجتماعی و تأثیر این نظم بر زندگی انسان‌ها، نقطهٔ قوت جامعه‌شناسی تبیینی است.

جامعه‌شناسی انتقادی برای خروج از محدودیت‌های علم تجربی به دنبال روش‌های دیگری از شناخت است.

سیاست و قدرت، خارج از ذهن مردم و مستقل از ادراک آن‌ها، وجوهی محسوس و واقعی دارد که رویکرد تفسیری به علت تمرکز بر ذهنیت‌ها توان مطالعه و بررسی آن‌ها را ندارد.

۳۲۴- گزینه ۳

تیزبازی

این‌که در رقابت عادلانه باید نقطهٔ شروع رقابت‌ها یکسان باشد ← طرفداران قشربندی اجتماعی (رویکرد لیبرالی)
این‌که در رقابت عادلانه باید نقطهٔ پایان رقابت‌ها یکسان باشد ← مخالفان قشربندی اجتماعی (رویکرد کمونیستی)

برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند. آن‌ها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند، آن‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینهٔ نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

بحران زیست‌محیطی ابتدا در حوزهٔ روابط انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد و به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مانند مهاجرت حاشیه‌نشینی، بیکاری و ... منجر شد. طرفداران قشربندی اجتماعی این نکته را نادیده می‌گیرند که در رقابت عادلانه، نقطهٔ شروع رقابت‌ها باید یکسان باشد.

در جهان‌های اجتماعی که گرفتار اخودبیگانگی حقیقی (فطری) هستند، فطرت آدمی به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد.

۳۲۵- گزینه ۳ جامعه‌شناسی تبیینی و جامعه‌شناسی تفسیری، تجویز راه حل برای بهترشدن وضعیت موجود را علمی نمی‌دانند. از سوی دیگر، غلبهٔ رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب می‌شد که کار داوری دربارهٔ ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد و غیرعلمی قلمداد شود. در این نگاه انتقاد از وضعیت موجود و تجویز راه حل برای بهترشدن آن کار علم نبود. این اعتقاد با عنوان «جدایی دانش از ارزش» بیان می‌شد؛ یعنی دانش و ارزش دو قلمرو متمایز و متقابل دارند؛ «دانش» قلمرو تبیین (کشف و بازخوانی واقعیت‌ها) و ارزش، قلمرو تفسیر (خلق و بازسازی ارزش‌ها) معرفی می‌شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در رویکرد تبیینی دانش و ارزش دو قلمرو متمایز و متقابل دارند؛ «دانش» قلمرو «تبیین» و در مقابل «ارزش» قلمرو «تفسیر» معرفی می‌شد. ۲ ارزیابی با ملاک‌های ارزشی و هنجاری از کارکردهای رویکرد تبیینی نیست. ۴ در رویکرد تبیینی «دانش» قلمرو «تبیین» (کشف و بازخوانی «واقعیت‌ها») و در مقابل «ارزش» قلمرو «تفسیر» (خلق و بازسازی «ارزش‌ها») معرفی می‌شد.

۳۲۶- گزینه ۴ آرم جمهوری اسلامی ایران روی جلد شناسنامه‌های ایرانیان به این معناست که او فردی است که در جامعه‌ای با نظام سیاسی جمهوری زندگی می‌کند و این نظام بر پایهٔ اسلام شکل گرفته است.

همهٔ ایرانیان شناسنامه‌ای یک‌رنگ، یک‌شکل و یک‌اندازه دارند؛ بنابراین همه، اعم از زن و مرد، خردسال و بزرگسال، فقیر و غنی، بی‌سواد و باسواد در هویت ملی، مشترک‌اند.

۳ سیاست هویت، محصول دوران پسامدرن است و بر تفاوت‌ها و هویت‌های خاص و محلی تأکید می‌کند.

۴ هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آن‌ها تعریف می‌شود.

۵ افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را براساس علاقه‌های فرهنگی و هویتی خود پی می‌گیرند.

۶ علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش می‌شوند.

۷ در همه این عرصه‌ها (ثروت، قدرت، هویت و دانش)، سیاست هویت ایجاد می‌شود و تنازع و درگیری افزایش می‌یابد.

۸ جهانی‌شدن توسعه ارتباطات، دو پیامد به همراه داشته است. زمینه شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است. بسیاری از جوامع و گروه‌ها به دفاع از خود برخاسته‌اند و با ساختن هویتی خاص برای خود یا بازگشت به هویت واقعی خویش، در برابر هویتی که فرایند جهانی‌شدن به آن‌ها تحمیل می‌کند، مقاومت می‌کنند و خواهان رهایی از این هویت تحمیلی هستند.

۹ مدل تکثرگرا به جای مدل همانندسازی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد.

در دوره پسامدرن، علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش قرار می‌گیرند.

در دوره پسامدرن، افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را براساس علاقه‌ها و دغدغه‌های فرهنگی و هویتی خود پی می‌گیرند.

هم‌چنین در این دوره بر هویت خرد، محلی و فردی تأکید می‌شود.

۳۳۳- گزینه ۲) قسمت اول ۲) نادرست است؛ در مدل تکثرگرا، تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی، حفظ و حتی تشدید می‌گردد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) درست - نادرست؛ همانندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه است. ۳) نادرست - نادرست؛ در مدل تکثرگرا گروه‌های به حاشیه رانده‌شده به رسمیت شناخته می‌شوند. عبارت دوم ناظر به مدل تکثرگرا است (نه مدل همانندسازی).

۴) درست - درست

۳۳۴- گزینه ۲) در دوره پسامدرن، تکثر، تنوع و حتی بی‌ثباتی (نه ثبات) و تغییرات مداوم هویت‌ها مطلوب دانسته شد و هویت ملی و وحدت، ثبات (نه بی‌ثباتی) و استمرار (نه تغییرات مداوم) همراه با آن نامطلوب پنداشته شد.

نکته: در مدل همانندسازی، وحدت و ثبات مطلوب پنداشته می‌شد، اما در مدل تکثرگرایی، گوناگونی و بی‌ثباتی مطلوب است.

۳۳۵- گزینه ۳) با ظهور جهان متجدد، دولت‌هایی شکل گرفتند که خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند، بلکه هویت خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند. تأکید بر این عوامل، به پیدایش نوع جدیدی از هویت انجامید که ملی‌گرایی و وطن‌دوستی مشخصه اصلی آن بود و منجر به ظهور ناسیونالیسم گردید.

۳۳۶- گزینه ۱) در مدل تکثرگرا، تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی حفظ و حتی تشدید می‌شود.

در الگوی مطلوب قرآنی (الگوی تعارف)، تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی، مانع وحدت و همدلی نیست.

همانندسازی سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.

نکته: الگوی تعارف، در مقابل الگوی تنازع قرار دارد. الگوی تنازع به دو مدل سیاست‌گذاری تقسیم می‌شود: ۱) مدل سیاست‌گذاری همانندسازی، ۲) مدل سیاست‌گذاری تکثرگرایی؛ بنابراین مدل‌های همانندسازی و تکثرگرایی هم نقطه مقابل الگوی تعارف قرار می‌گیرند.

چاپ عکس افراد در شناسنامه، اگرچه ظاهراً عکس فرد خاصی است، اما با دید عمیق‌تر و وسیع‌تر، هویت جنسی، خانوادگی، سنی، نژادی و فرهنگی فرد را نیز می‌تواند آشکار کند.

در صفحه نخست شناسنامه، شماره ملی ده‌رقمی فرد ثبت شده است که نشانگر جنبه اختصاصی سند هویت محسوب می‌شود.

۳۲۷- گزینه ۴)

نکته:

همانندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه بود. به گونه‌ای که همه گروه‌ها همسان شوند. همانندسازی سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.

مدل همانندسازی

۴) از تحولات دوران پسامدرن و مربوط به مدل سیاست‌گذاری، تکثرگرایی است.

۳۲۸- گزینه ۲) سیاست هویت، محصول دوران پسامدرن است و بر تفاوت‌ها و هویت‌های خاص و محلی تأکید می‌کند.

همانندسازی، مدل رایج سیاست‌گذاری هویت در دوره مدرن است.

برخلاف دوره تجدد که هویت از منظر دولت - ملت‌ها تعریف می‌شد، در دوره پساتجدد (پسامدرن)، هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آن‌ها تعریف می‌شود.

تیزبازی در سال یازدهم خواندیم که منظور از دوران تجدد، همان دوران مدرن است؛ پس دوران پساتجدد به معنای دوران پسامدرن است؛ بنابراین: سیاست هویتی رایج در دوران مدرن (دوره تجدد): همانندسازی سیاست هویتی رایج در دوره پسامدرن (پساتجدد): تکثرگرایی

۳۲۹- گزینه ۳) سیاست هویت می‌تواند دو چهره پیدا کند: ۱- یا به صورت افراطی بر تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها تأکید می‌کند و سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود. ۲- یا گروه‌های به حاشیه رانده‌شده را به رسمیت می‌شناسد و از آنان حمایت می‌کند.

۳۳۰- گزینه ۱) امروزه، ۱- جهانی‌شدن و توسعه ارتباطات، زمینه شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است. ۲- که در آن، در هم آمیختن فرهنگ‌ها موجب شود ۳- که فرهنگ‌ها دیگر کاملاً خالص و ثابت نباشند و ۴- هویت‌ها به شدت دستخوش تغییر شوند. ۵- در مقابل، بسیاری از جوامع و گروه‌ها به دفاع از خود برخاسته‌اند و ۶- با ساختن هویتی خاص برای خود یا بازگشت به هویت واقعی خویش در برابر هویتی که فرایند جهانی‌شدن را به آن‌ها تحمیل می‌کند، مقاومت می‌کنند و خواهان رهایی از آن هستند. ۷- در چنین شرایطی، مدل تکثرگرا به جای مدل همانندسازی مورد توجه و تأکید قرار گرفت.

۳۳۱- گزینه ۳) در اواخر قرن بیستم، هویت به جای قشربندی و کشمکش طبقاتی، محور اصلی مباحثات فکری و سیاسی شد.

در دوره مدرن، هویت از منظر دولت - ملت‌ها تعریف می‌شد.

در دوره پسامدرن، هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف مورد توجه قرار گرفت.

۳۳۲- گزینه ۲)

نکته: عمده تحولات دوره پسامدرن:

۱) همه آن‌چه در دوره مدرن پدید آمده بود (از جمله سیاست همانندسازی هویت) مورد نقد قرار گرفت و به جای آن، هویت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت.

۲) تکثر، تنوع و حتی بی‌ثباتی و تغییرات مداوم هویت‌ها، مطلوب دانسته شد و هویت ملی، وحدت، ثبات و استمرار همراه با آن، نامطلوب پنداشته شد.

۳۳۷- گزینه ۱ ❖ اخراج و کشتار اقلیت‌ها یکی از روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی است.

❖ برگزاری مراسم عید نوروز در آمریکا توسط ایرانیان، بیانگر توجه به تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی است که در مدل تکثرگرا مورد تأکید قرار می‌گیرد.

❖ در الگوی مطلوب قرآنی (الگوی تعارف و شناخت متقابل)، تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی، مانع وحدت و همدلی میان مسلمانان (از اقوام و نژادهای مختلف) نیست.

۳۳۸- گزینه ۳ ❖ از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف، ویژگی مدل همانندسازی است. مدل همانندسازی، در دوره مدرن (نه پسامدرن) رایج بود.

۳۳۹- گزینه ۲ ❖ در دوران پسامدرن، سیاست هویت پدید آمد و مدل تکثرگرا به جای مدل همانندسازی مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در این دوره افراد مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را براساس علاقه‌های فرهنگی و هویتی خود پی می‌گیرند. علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش می‌شود. در همه این عرصه‌ها، سیاست هویت ایجاد می‌شود و تنازع و درگیری افزایش می‌یابد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ❶ نادرست - درست - درست - درست - نادرست - نادرست ❷ درست - درست - درست - نادرست

۳۴۰- گزینه ۳

۲ تیزبازی دو مدل اصلی سیاست‌گذاری هویتی وجود دارند:

- ❶ تنازع هویت‌ها (وحدت یا کثرت هویت‌ها)
 - ❖ مدل همانندسازی هویتی
 - ❖ مدل تکثرگرایی
- ❷ تعارف هویت‌ها (وحدت و کثرت هویت‌ها)
 - ❖ مقایسه مدل همانندسازی و مدل تکثرگرا:

مدل تکثرگرا	مدل همانندسازی
❖ به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه بود. به گونه‌ای که همه گروه‌ها یکسان شوند.	❖ ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی، ضروری دانسته می‌شود که گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد.
❖ در این الگو، هم‌چنان وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی، ضروری دانسته می‌شود که گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد.	❖ سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.
❖ گاهی به بعد فرهنگی توجه می‌شود، گاهی به بعد سیاسی و گاهی به بعد اجتماعی. مدل رایج سیاست‌گذاری دوره پسامدرن است.	❖ مدل رایج سیاست‌گذاری در دوره مدرن بود.

بررسی سایر گزینه‌ها: ❶ درست - غلط (در مدل تکثرگرایی، وجود یک ساختار مشترک سیاسی ضروری دانسته می‌شود). ❷ غلط (همانندسازی، مدل رایج سیاست‌گذاری هویتی در دوره مدرن بود). - درست ❸ غلط (مربوط به مدل تکثرگرایی است). - درست

۳۴۱- گزینه ۲ ❖ برخی از پیدایش سیاست هویت، به بازشدن جعبه پاندورا یاد می‌کنند.

❖ براساس آموزه‌های قرآنی، فقط زندگی براساس تقوا، معیار برتری و بزرگواری یک انسان است.

❖ در الگوی مطلوب قرآنی، تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی مانع وحدت و همدلی نیست. رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری نیز به دلیل پیروی از این الگو و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند. برای جهان اسلام به هیچ وجه نگران‌کننده نبود که بزرگ‌ترین دانشمند صرف و نحو زبان عربی، یک ایرانی به نام سیبویه است.

۳۴۲- گزینه ۱ ❖ نسل‌کشی، جابه‌جایی اجباری، کنترل جمعیت، جداسازی و فشارهای سخت اجتماعی، از جمله روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی هستند. اساس این روش‌ها، نفی و طرد دیگری متفاوت است.

۳۴۳- گزینه ۱ ❖ جداسازی گروه‌ها و قومیت‌ها از یکدیگر از جمله روش‌های خشونت‌آمیز الگوی همانندسازی است.

❖ گروه‌های مختلف در برابر هویتی که فرایند جهانی‌شدن به همه تحمیل می‌کند، مقاومت می‌کنند و خواهان رهایی از آن هستند. جنبش‌های اجتماعی گوناگونی که روند جهانی‌شدن را تهدید می‌کند، مانند جنبش‌های سبک زندگی، زنان، آفریقایی - آمریکایی‌ها، آسیایی‌تبارها، جوانان، اقلیت‌های قومی، مذهبی و جنبش زیست‌محیطی نمونه‌هایی از این اعتراضات و مقاومت‌ها هستند. ❖ در مدل تکثرگرا به ابعاد مختلفی از هویت توجه می‌شود. گاهی به بعد سیاسی هویت توجه می‌شود و به اقوام و گروه‌های مختلف، آزادی‌های اجتماعی و فرصت سهیم‌شدن در قدرت سیاسی داده می‌شود و با راهکارهای مسالمت‌آمیز لازم برای حل منازعات گروهی و قومی ارائه می‌گردد.

❖ پیدایش نظریه جامعه‌شناسی فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی‌تبار، نظریه آمریکایی بومی و ... نشان‌دهنده شکل‌گیری نظریه‌هایی هستند که در اعتراض به جهان‌شمول‌نبودن علوم اجتماعی معاصر شکل گرفته‌اند. این نظریه‌ها بر این باور هستند که هر فرهنگ و هویتی می‌تواند نظریه‌های متناسب با خود را تولید کند.

۳۴۴- گزینه ۴ ❖ در مدل تکثرگرا به ابعاد مختلفی از هویت، توجه می‌شود. گاهی بعد فرهنگی مورد توجه است و تمایزات زبانی، قومی، مذهبی و ... به رسمیت شناخته می‌شوند یا به بعد سیاسی هویت توجه می‌شود و به اقوام و گروه‌های مختلف، آزادی‌های اجتماعی و فرصت سهیم‌شدن در قدرت سیاسی داده می‌شود یا راهکارهای مسالمت‌آمیز لازم برای حل منازعات گروهی و قومی ارائه می‌گردد. گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و گروهی نیز در نتیجه توجه به بعد اجتماعی هویت حاصل می‌شود.

۳۴۵- گزینه ۲ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ❶ درست - نادرست (در دوران پسامدرن، هویت به جای قشربندی و کشمکش طبقاتی محور اصلی مباحثات فکری و سیاسی شد). - درست ❷ درست - درست - نادرست (مربوط به دوره مدرن و سیاست همانندسازی است). ❸ درست - نادرست (در دوره پسامدرن، هویت ملی نامطلوب پنداشته شد). - درست

۳۴۶- گزینه ۳ ❖ جامعه‌شناسی انتقادی ریشه در رویکرد تفسیری دارد، ولی به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره ارزش‌ها و هنجارها است و نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها، بیرون از دایره علم صورت گیرد، زیرا در آن صورت سرنوشت ارزش‌ها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود و همواره ارزش‌های غالب در زندگی اجتماعی، ارزش‌های ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود.

۳۴۷- گزینه ۲ ❖ روش جامعه‌شناسی تبیینی، حس و تجربه (نگاه از بیرون به پدیده‌ها) است. / در جامعه‌شناسی تفسیری، کنش‌های انسان‌ها معنا دار است. / وجه اشتراک روش رویکرد تفسیری و انتقادی، استفاده از تفسیر برای فهم کنش‌هاست. / هدف رویکرد تبیینی، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی است.

۳۴۸- گزینه ۴ **بررسی گزینه‌ها:** ❶ نادرست (مربوط به تعارف هویت‌هاست). - نادرست (مربوط به همانندسازی و از الگوهای تنازع هویت‌هاست). ❷ درست - درست ❸ نادرست (مربوط به جداسازی است). - نادرست (مربوط به الگوی تکثرگرایی است). ❹ نادرست (در دوران پسامدرن، سیاست تکثرگرایی جایگزین همانندسازی شد). - درست

۳۴۹- گزینه ۲ ❖ همانندسازی همیشه به صورت یک‌سویه و خشن انجام نمی‌شود، بلکه تفاوت‌ها و تمایزات قومی، نژادی و ... می‌توانند از راه دیگری که برخی از جامعه‌شناسان آن را دیگچه همانندسازی می‌نامند، ناپدید شوند که در آن تعداد کثیری از گروه‌های درگیر قومی و نژادی در ارتباط با هم یک فرهنگ مختلط می‌سازند.

♦ با ظهور جهان متجدد، دولت‌هایی شکل گرفتند که خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند، بلکه هویت خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند. تأکید بر این عوامل به پیدایش نوع جدیدی از هویت انجامید که ملی‌گرایی و وطن‌دوستی، مشخصه اصلی آن بود و به ظهور ناسیونالیسم انجامید.

♦ از نظر طرفداران عدالت اجتماعی، در رویکرد اول، نقطه آغاز رقابت و در رویکرد دوم، نقطه پایان آن ناعادلانه است؛ بنابراین هر دو رویکرد به دلیل ناعادلانه بودن با فطرت انسانی سازگار نیستند و در نتیجه به شکست می‌انجامند.

۳۵۴- گزینه ۳ عبارت دوم نادرست است. جامعه‌شناسان انتقادی تلاش برای دستیابی به داوری علمی ارزش‌های انسانی، به‌ویژه در عرصه قدرت (نه دانش) را برای زندگی اجتماعی انسان‌ها ضروری می‌دانند و دست‌شستن از این آرمان بزرگ را بن‌بست زندگی انسان معرفی می‌کنند.

عبارت سوم نادرست است. در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود، اما جامعه وظیفه دارد که امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع (نه پایان) رقابت را یکسان نماید.

عبارت چهارم، نادرست است. در دوره پسادرن، همه آن‌چه در دوره مدرن پدید آمده بود، از جمله سیاست همانندسازی هویت، مورد نقد قرار گرفت و به جای هویت یکسان برای همه ملت، هویت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت (نه برعکس).

۳۵۵- گزینه ۳ ♦ جامعه‌شناسان انتقادی همانند جامعه‌شناسان تفسیری بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند، اما کم‌توجهی رویکرد تفسیری به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد را درست نمی‌دانند؛ بنابراین عبارت مطرح‌شده در قسمت اول سؤال، هم درباره رویکرد تفسیری و هم درباره رویکرد انتقادی صدق می‌کند.

♦ رویکرد انتقادی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی‌بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد.

♦ نظریه فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی‌تبار، نظریه آمریکایی‌تبار بومی و ... بر این باور هستند که آن‌چه امروز به عنوان علوم اجتماعی به مطالعه گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها می‌پردازد، دانشی جهان‌شمول نیست، بلکه روایت آن چیزی است که مردان سفیدپوست اروپایی می‌پنداشتند و هویت زنان، رنگین‌پوستان و غیراروپاییان را نادیده می‌گیرد.

۳۵۶- گزینه ۱ ♦ بررسی موارد نادرست: عبارت دوم، مربوط به فرهنگ اساطیری است.

عبارت سوم، با شکل‌گیری دولت - ملت‌ها، ناسیونالیسم پیدا شد و هویت از منظر دولت - ملت‌ها و توسط آن‌ها تعیین و تعریف شد.

۳۵۷- گزینه ۲ ♦ در الگوی تکثرگرایی، مانند الگوی همانندسازی هم‌چنان وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی ضروری دانسته می‌شود که گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد.

♦ کنت معتقد است با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد. ♦ در نسل‌کشی، دیگری، شری است که باید نابود شود، اما در جداسازی، دیگری اگرچه شر دانسته می‌شود، امکان اصلاح او وجود دارد و با اعمال فشار می‌توان او را به پذیرش الگوهای هویتی جدید مجبور ساخت یا از بقیه جدا کرد.

♦ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) نادرست (تنازع هویت‌ها، یعنی وحدت یا کثرت هویت‌ها؛ نه وحدت و کثرت هویت‌ها) - درست - درست - درست - درست - درست (به جای نسل‌کشی می‌توان از روش‌های دیگر همانندسازی مانند جداسازی و ... استفاده کرد). ۴) نادرست (مربوط به نسل‌کشی است و ارتباطی با شباهت همانندسازی و تکثرگرایی ندارد). - درست - نادرست (بیانگر شباهت نسل‌کشی و جداسازی است).

♦ در جداسازی که یکی از روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی است، گروه‌های مسلط در هر جامعه، گروه‌های نژادی و قومی دیگر را از تسهیلات و خدماتی مانند آموزش و بهداشت محروم ساخته یا این خدمات را با کیفیت بسیار پایین‌تری در اختیار آن‌ها بگذارد.

♦ نسبی‌گرایی بیانگر این است که هیچ ملاکی برای داوری و تشخیص درست و غلط وجود ندارد.

۳۵۰- گزینه ۱ ♦ جامعه‌شناسی انتقادی به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره ارزش‌ها و هنجارها است و نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها بیرون از دایره علم صورت گیرد؛ زیرا در آن صورت:

الف) سرنوشت ارزش‌ها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود. ب) همواره ارزش‌های غالب در زندگی اجتماعی، ارزش‌های ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود. ♦ جریان دومی که از درون رویکرد تفسیری شکل گرفت، راه‌هایی انسان را نه از

درون علم که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند، زیرا معتقد است: الف) خود علم با درست و غلط پنداشتن و خوب و بد کردن امور، سلطه‌گری می‌کند. ب) علم، «خوب» را به معنای خوب‌بودن برخی افراد و گروه‌ها و «بد» را بدبودن برخی دیگر قلمداد می‌کند.

۳۵۱- گزینه ۳ ♦ از درون رویکرد تفسیری، دو جریان و رویکرد شکل می‌گیرد: ۱- جامعه‌شناسی انتقادی که به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره ارزش‌ها و هنجارها است و نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها، بیرون از دایره علم صورت گیرد. رویکرد انتقادی می‌خواهد افشاگری و رهایی‌بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد و این نقش را در نقد روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌بیند و انتظار دارد علوم اجتماعی با تشخیص و افشای سلطه در مناسبات انسانی، به رهایی انسان کمک کند. ۲- از درون رویکرد تفسیری، جریان دیگری نیز شکل می‌گیرد که چنین کارکردی را برای علوم اجتماعی، ناممکن می‌شمارد و راه‌هایی انسان را نه از درون علم، که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند و معتقد است خود علم با «درست و غلط دانستن» و «خوب و بد کردن امور» سلطه‌گری می‌کند، زیرا «خوب» را به معنای خوب‌بودن افراد و گروه‌ها و «بد» را بدبودن برخی دیگر از آنان قلمداد می‌کند. از منظر جریان دومی که از درون رویکرد تفسیری شکل گرفت، سرگذشت دانش، همانند سرگذشت قدرت و ثروت، تاریخ سرکوب انسان بوده است.

♦ رویکرد انتقادی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی‌بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد.

♦ نظریه فمینیستی معاصر، نظریه آفریقایی‌تبار، نظریه آمریکایی‌تبار بومی و ... بر این باور هستند که آن‌چه امروز به اسم علوم اجتماعی به مطالعه گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها می‌پردازد، دانشی جهان‌شمول نیست، بلکه روایت آن چیزی است که مردان سفیدپوست اروپایی می‌پنداشتند و هویت زنان، رنگین‌پوستان و غیراروپاییان را نادیده می‌گیرد.

۳۵۲- گزینه ۱ ♦ امور سیاسی مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان‌ها قرار می‌گیرند؛ یعنی امور سیاسی خنثی نیستند، بلکه از انسان‌ها اطاعت، وفاداری و تصمیم می‌خواهند.

♦ سیاست هویت می‌تواند دو چهره پیدا کند. یا به صورت افراطی بر تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها تأکید می‌کند و سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود یا گروه‌های به حاشیه رانده‌شده را به رسمیت می‌شناسد و از آنان حمایت می‌کند.

♦ جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری شود و زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر فراهم آید.

۳۵۳- گزینه ۴ ♦ جهانی‌شدن و توسعه ارتباطات، زمینه شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است که در آن، در هم آمیختن فرهنگ‌ها موجب می‌شود که فرهنگ‌ها کاملاً خالص و ثابت نباشد و هویت‌ها به شدت دستخوش تغییر می‌شوند.

۳۵۸- گزینه ۱

فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی، نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید، بلکه با اصال‌بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و جغرافیایی، بحران‌ها که منطقه‌ای بودند به سرعت آثار و پیامدهای خود را در سطح جهان آشکار ساختند.

در قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی را تنها راه شناخت علمی می‌دانستند.

با ظهور جهان متجدد، دولت‌هایی شکل گرفتند که دیگر خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند، بلکه هویت خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند.

۳۵۹- گزینه ۲

مشاوره زیرنویس تصاویر کتاب درسی را جدی بگیرید. سعی کنید هنگام مطالعه، ارتباط تصاویر کتاب درسی و زیرنویس‌های آن‌ها را با متن اصلی تشخیص دهید. این سؤال هم این‌ها به یادگار بماند تا هاستون باشه توی لکچر از زیرنویس تصاویر سؤال طرح می‌شه.

درون بسیاری از جوامع صنعتی، تقسیم‌بندی‌های نژادی و قومی وجود دارد؛ جدایی فرانسوی‌زبانان ایالت کبک از انگلیسی‌زبان‌ها در کانادا و کشمکش میان فلامان‌ها و والون‌ها در بلژیک مصداق این مسئله است. توجه داشته باشید که این مثال، بیانگر سیاست هویت تکثرگرایی نیز می‌باشد. (رد ۳ و ۴)

در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود، اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید. بدین منظور دولت به نمایندگی از جامعه، موظف است نیازهای ضروری همه افراد مانند خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند. هم‌چنین دولت می‌تواند از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند. (رد ۱)

در طول تاریخ، بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی را بهانه‌ای برای نابرابری‌های اجتماعی قرار داده‌اند. مثلاً به دلیل تفاوت میان دو جنس یا نژادهای مختلف، میان آن‌ها نابرابری‌های اجتماعی ایجاد کرده‌اند. در نظام آپارتاید (جدائزادی)، تفکیک نژادی در اماکن عمومی، ایستگاه‌ها، ورزشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و ... اجرا می‌شد.

۳۶۰- گزینه ۲

نکته:

جدایی دانش و ارزش

یعنی دانش و ارزش، دو قلمرو متمایز و متقابل دارند.

دانش: قلمرو تبیین

ارزش: قلمرو تفسیر

نتیجه غلبه رویکرد تبیینی و غیرعلمی دانستن کار داوری درباره ارزش‌هاست.

پیوند دانش و ارزش

نتیجه غلبه رویکرد تفسیری و به حاشیه رفتن رویکرد تبیینی است.

در نتیجه آن، دانش انتقادی شکل می‌گیرد. دانش انتقادی، دانشی است که از وضعیت موجود، انتقاد می‌کند و می‌خواهد برای عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب راه حل ارائه کند.

گاهی تأکید بر تنوع و تکثر هویت‌ها و اصال‌بخشیدن به آن‌ها، به معنای انکار اشتراک و وحدت انسان‌ها است و فرصت گفت‌وگو و معارفه انسان‌ها و فرهنگ‌ها را از بین می‌برد.

غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب می‌شد که کار داوری درباره ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد و غیرعلمی قلمداد شود. در این نگاه انتقاد از وضعیت موجود و تجویز راه حل برای بهتر شدن آن، کار علم نبود. این اعتقاد با عنوان جدایی دانش از ارزش بیان می‌شد.

در رویکرد کمونیستی، با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود و به همین دلیل، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.

۳۶۱- گزینه ۴

برخی از متفکران، بحران‌های زیست‌محیطی را مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم دانسته‌اند.

در مدل عدالت اجتماعی (رویکرد سوم) نقطه آغاز و پایان رقابت‌ها عادلانه است.

در اواخر قرن بیستم، هویت به جای قشربندی و کشمکش طبقاتی، محور اصلی مباحثات فکری سیاسی شد.

در دوره پسادرن، افراد، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را براساس علاقه‌های فرهنگی و هویتی خود پی می‌گیرند.

۳۶۲- گزینه ۲

معیار	نوع	تبیینی	تفسیری	انتقادی
چه چیزی را مطالعه می‌کند؟ (موضوع)	پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند.	کنش‌های اجتماعی و معنای آن‌ها	کنش‌های اجتماعی و معنای آن‌ها	کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن
چگونه مطالعه می‌کند؟ (روش)	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	تفسیر (نگاه از درون) به پدیده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها	تفسیری، انتقادی و تجویزی	
چه هدفی را دنبال می‌کند؟ (هدف)	پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی	معنابخشی و انسجام‌بخشی به زندگی اجتماعی	انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و راه رسیدن به آن	

هماندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه بود. به گونه‌ای که همه گروه‌ها همدان شوند.

هماندسازی سیاستی بود که در دوره مدرن، دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.

در مدل تکثرگرا، تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی، حفظ و حتی تشدید می‌شود. البته در این الگو، هم‌چنان وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی، ضروری دانسته می‌شود که گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ تکثرگرایی - همانندسازی ۲ تکثرگرایی - همانندسازی ۳ همانندسازی - همانندسازی ۴ همانندسازی

۳۶۴- گزینه ۳

ویژگی‌های سیاست‌گذاری هویتی در دوران پسادرن:

الف) شکل‌گیری سیاست هویت و مدل تکثرگرا ب) تأکید بر هویت‌های خرد، محلی و فردی پ) مطلوب‌دانستن تکثر، تنوع و بی‌ثباتی و تغییرات مداوم هویت‌ها ت) نامطلوب‌دانستن هویت ملی و وحدت و ثبات و استمرار همراه با آن ث) هویت به جای قشربندی، محور اصلی مباحثات فکری و سیاسی شد. ج) تعریف هویت از منظر گروه‌های اجتماعی ج) علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش شدند.

۳۶۵- گزینه ۲

تنوع و تکثر معانی، موجب پیچیدگی کنش‌های انسانی و دشواری فهمیدن معانی آن‌ها می‌شود.

اگر اعضای یک جهان اجتماعی، مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.

امروزه جهانی‌شدن و توسعه ارتباطات، زمینه شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است که در آن، در هم آمیختن فرهنگ‌ها موجب می‌شود که فرهنگ‌ها دیگر کاملاً خالص و ثابت نباشند و هویت‌ها به شدت دستخوش تغییر شوند.

هر جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند و پرسش‌های آن‌ها را درباره معانی زندگی و مرگ پاسخ ندهد و در مسیر غفلت از این پرسش‌ها گام بردارد یا به پوچ‌انگاری برسد، نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد رویارو می‌شود.